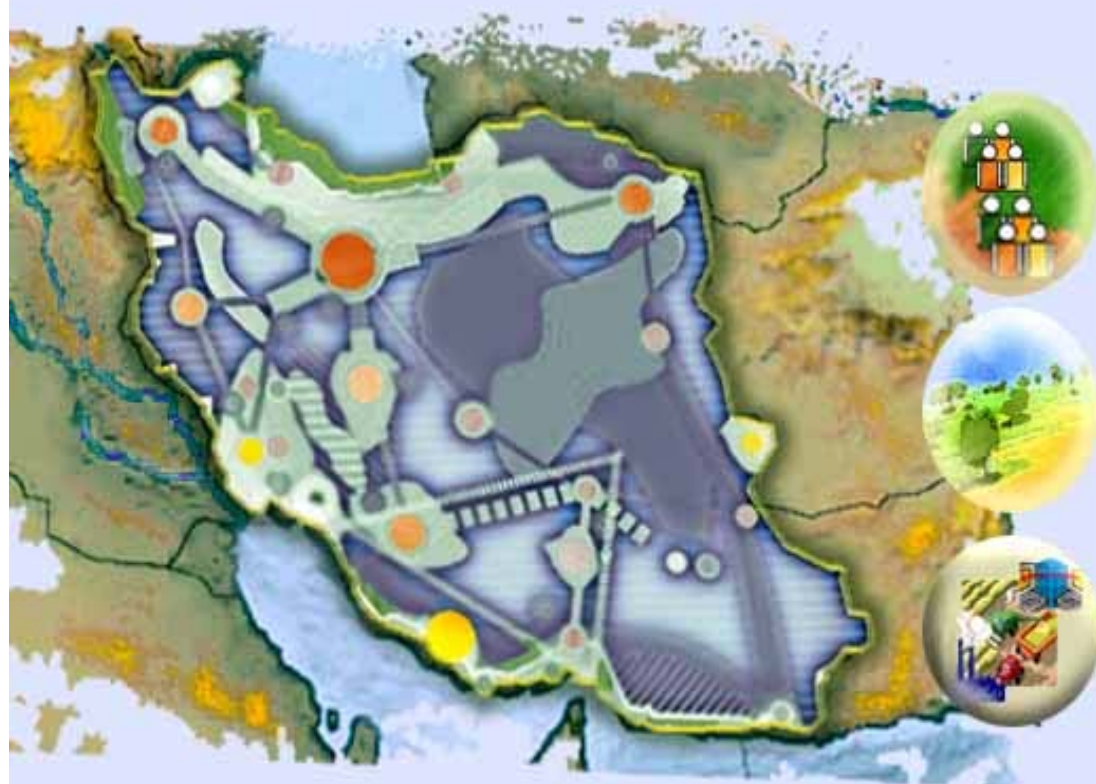




مطالعات آمایش سرزمین

مقدماتی _ جهت ارائه به هیئت محترم وزیران



سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
دفتر آمایش و توسعه پایدار
تیرماه ۱۳۸۳

جهت گیری های آمایش ملی

مجموعه حاضر حاصل دوره دوم مطالعات آمایش سرزمین پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. هر چند تجربه نخست کشور در این زمینه در سالهای قبل از انقلاب و همچنین نتایج دوره اول مطالعات آمایش سرزمین اسلامی ایران که در دهه ۶۰ در کشور انجام شد علیرغم منجر شدن به مصوباتی - بنابردلایل مختلف - فرصت بروز در عرصه‌های اجرایی و برنامه‌های توسعه کشور را نیافتند، اما انتظار می‌رود تلاش اخیر با توجه به برخورداری کشور از سند چشم‌انداز و تأکیدی که در لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بر استفاده از نتایج مطالعات آمایش سرزمین در تدوین اسناد ملی بخشی، استانی و ویژه شده است، بتواند به حول و قوه‌الهی و با همت دولتمردان و تصمیم‌گیران نظام، خلاء برخورداری از یک سند جامع و بالا دست را برای تدوین برنامه‌های توسعه بخشی و منطقه‌ای برطرف نماید.

گزارشی که اکنون در دو بخش و دو پیوست و مجموعه نقشه‌های مربوطه ارائه می‌شود، ماحصل بیش از پنج سال مطالعه و دهها جلد گزارش مدون است. در بخش اول گزارش تقدیمی ضمن مروری بر سوابق مطالعات آمایش سرزمین در ایران به ضرورتهای تهیه و اجرای برنامه‌های آمایشی پرداخته و ضمن معرفی جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور به مروری بر اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه بلندمدت کشور منتج از مطالعات مرحله اول این دوره یعنی نظریه پایه توسعه ملی پرداخته شده است. همچنین در نهایت ضمن برشماری ویژگیهای مرحله جمع‌بندی مطالعات آمایش به جایگاه و نحوه ارتباط سند حاضر با مجموعه اسناد ملی توسعه بخش‌ها و اسناد ملی توسعه استان‌های کشور اشاره گردیده است.

در بخش دوم گزارش اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های آمایشی در سه حیطه انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضای ملی طرح گردیده‌اند و بازتاب کلان جهت‌گیری‌های فوق بر بارگذاری جمعیت و فعالیت در استانها و مناطق مختلف کشور مورد استنتاج قرار گرفته‌اند.

در پیوست اول گزارش راهبردهای بخشی شامل راهبردهای بلندمدت توسعه و راهبردهای سازماندهی فضایی هر یک از بخشهای اقتصادی - اجتماعی و در پیوست دوم برشهای استانی مجموعه هماهنگ شده راهبردهای ملی و بخشی در قالب بخشهای اولویت‌دار و محوری در توسعه استان، راهبردهای بخشی در استان و پیش‌بینی تحولات کلان اشتغال و جمعیت در هر یک از استانهای کشور ارائه شده است.

مجموعه نقشه‌های مطالعات نیز شامل ۱۶ نقشه بخشی، نقشه سازمان فضایی کشور در افق ۱۴۰۰ و نقشه‌های سازمان فضایی ۲۸ استان کشور به صورت مجلد جداگانه ارائه شده است.

فهرست

بخش اول - کلیات

الف - مقدمه	صفحه ۵
ب - جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور	صفحه ۸
ج - ضرورت های تهیه و اجرای برنامه‌های آمایشی	صفحه ۱۱
د - تدوین نظریه پایه توسعه ملی	صفحه ۱۴
هـ- ترتیبات تهیه طرح آمایش ملی	صفحه ۱۶
بخش دوم - اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های آمایش ملی	
پیوست اول - راهبردهای بلندمدت توسعه بخش	صفحه ۲۹
پیوست دوم - نظریه پایه توسعه استان	صفحه ۷۱

جهت گیری های آمایش ملی

بخش اول - کلیات

الف - مقدمه

دوبار تجربه تدوین برنامه‌های بلندمدت با نگاه به سرزمین در کشوری با وسعت جغرافیایی ایران که سابقه بیش از ۵۰ سال برنامه‌ریزی را تجربه کرده است، دستمایه‌های گرانمایی را برای نظام برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزان کشور به همراه داشته است. تجربه اول که به دهه ۱۳۵۰ شمسی بازمی‌گردد پس از افزایش ناگهانی درآمدهای ارزی کشور بود که در طی دو شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی رخ داد و برنامه‌ریزان را واداشت تا با افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت تخصیص مجددی از منابع را سامان دهند.

این درحالی بود که عدم تعادل‌های چشم‌گیر منطقه‌ای، ناهم‌آهنگی‌های بین بخشی، رشد غول‌آسای پایتخت، ناکارآمدی شبکه زیرساختی کشور و... ضرورت توجه جدی به سرزمین و اتفاقاتی که در آن عرصه می‌افتاد را الزامی نموده بود.

تجربه نخست آمایش سرزمین در کشور که طی دهه پنجاه توسط مهندسين مشاور ستیران سازمان یافت به گونه‌ای طراحی شده بود که در قالب مجموعه‌ای از برنامه‌های میان مدت عملیاتی شود. هرچند با وقوع انقلاب اسلامی و ضرورت تجدید نظر در همه ارکان نظام وقفه‌ای در اجرای برنامه‌های آمایشی پدید آمد اما تجربیات گرانمایی مطالعات آمایش که پس از انقلاب اسلامی حاصل شد، دستمایه‌های شگرفی بود که برای کشوری که در دنیای وابستگی به شرق و غرب داعیه استقلال و خودکفایی داشته است افق‌های نوینی را نوید می‌بخشید.

در این فضا بود که با همت مسئولان وقت سازمان برنامه و بودجه و تشکیل دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای وظیفه تهیه سند آمایش سرزمین اسلامی ایران برعهده دفتر مذکور قرارگرفت. هرچند به دلایل مختلف مطالعات

دور اول آمایش پس از انقلاب نیز نتوانست از مرحله طرح پایه آمایش سرزمین فراتر رود اما با توجه به برخی از ابعاد حاوی جنبه‌های خلاقانه‌ای بود که در نوع خود قابل توجه هستند.

ارائه دلایل این امر هر چند در حوصله بحث حاضر نمی‌گنجد اما مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و کارکردی را شامل می‌شود که در حیطه‌های مختلف نظری، معرفتی، عملی و اجرایی می‌گنجد. این موضوع که بعضاً حتی در میان برنامه‌ریزان نیز تلقی واحدی از آمایش سرزمین وجود ندارد حکایت از تعدد برداشتها از مقوله آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی و اجرائی کشور دارد که سبب گردیده علیرغم تلاش‌های گسترده و دامنه‌دار در زمینه مطالعات آمایش سرزمین برخی سوءتفاهم‌ها نظیر در تعارض و رقابت قرار داشتن سنت برنامه‌ریزی اقتصادی با آمایش سرزمین^۱ به تحدید عرصه‌های لازم برای پیشبرد مطالعات آمایش سرزمین بیانجامد.

مجموعه مطالعات آمایش هرچند در حیطه عملیات برنامه‌ریزی کمتر فرصت ظهور و بروز یافتند اما در حیطه نظری منجر به تعمیق و بومی‌سازی مبانی آمایش در ایران شدند. انباشت معارف آمایشی در شرایطی که معضلات کشور به لحاظ ماهوی تفاوت چندانی با گذشته نکرده بود به‌علاوه فضای نوینی که شرایط و انتظارات محیط درونی پس از جنگ و تجربه تهیه و اجرای دو برنامه توسعه و تحولات بیرونی ناشی از فروپاشی شوروی و تحولات جهانی روی داده بود منجر به دستور هیئت محترم دولت در نیمه دوم سال ۱۳۷۶ برای انجام دور دوم مطالعات آمایش سرزمین گردید. نتایج مرحله اول دور اخیر مطالعات آمایش سرزمین در بهار ۱۳۷۹ تدوین شد و با ارائه مجموعه مطالعات مرحله اول شامل ”نظریه پایه توسعه ملی” و ”دیدگاه بلندمدت توسعه فضایی کشور” در هیئت محترم وزیران نخستین گام خود را بسوی تدوین سند آمایش سرزمین برداشت. تدوین ”نظریه پایه توسعه” که اصلی‌ترین خطوط وجهت‌گیریهای توسعه کشور را ترسیم می‌کند از آنجا ضرورت یافت که در فقدان یک سند چشم‌انداز برای توسعه کشور خلاء وجود اسناد بالادست توسعه را پر نماید. با ارائه نظریه پایه توسعه ملی در هیئت محترم دولت و تاکید دولت محترم بر ادامه مطالعات، مجموعه رهیافت‌های ”نظریه پایه توسعه ملی” در جلسات ”شورای آمایش سرزمین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی” نهایی گشته و مبنای مطالعات آمایش سرزمین در مرحله تفصیلی گردید. با وجود عزم جدی در هیئت دولت و سازمان مدیریت و

^۱ - در بخش بعد به اجمال به نحوه ارتباط رویکردهای مختلف در برنامه‌ریزی با هم و جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور خواهیم پرداخت.

برنامه‌ریزی برای تدوین سند آمایش سرزمین مرحله جمع‌بندی مطالعات در نیمه دوم سال ۱۳۸۱ آغاز گردید که در بهار ۱۳۸۲ برای ارائه به هیئت محترم وزیران آماده شد. با این حال و با توجه به ورود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و در پی آن کل مجموعه دولت در فرایند تدوین چشم‌انداز- با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام - و تهیه لایحه برنامه چهارم وقفه‌ای در ارائه اسناد آمایش سرزمین به هیئت محترم دولت پدید آمد. هر چند تهیه دو سند ملی چشم‌انداز و لایحه برنامه چهارم فرصت مغتنمی بود تا مجموعه مطالعات اخیر آمایش سرزمین در جهت غنای هر چه بیشتر این اسناد بکار گرفته شود و از این طریق رهیافت‌های آمایش سرزمین وارد عملیات برنامه‌ریزی توسعه گردد.

توجه به آمایش سرزمین در دور اخیر مولود نوعی احساس نیاز به دیدگاهی جامع‌نگر، دورنگر و راهبردی بود که نه تنها به روابط بین بخشی و بین منطقه‌ای نظر داشته باشد، بلکه روابط بخشی - منطقه‌ای را نیز از قلم نیانداخته باشد. احساس نیازی که حکایت از نوعی تحول در مختصات فکری نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور دارد. هرچند در ادامه این نوشتار به اجمال ضرورت‌های تهیه اسناد آمایشی که این احساس نیاز نوعاً مولود آن ضروریات است - مورد بحث قرار می‌گیرند.

در بخش بعد ضمن بررسی تفاوت انواع رویکردهای ممکن و سطوح مختلف در برنامه‌ریزی به مقایسه گزینه‌های مختلف تفکر و عمل در تنظیم امور توسعه و معرفی و ارزیابی سطوح مختلف برخورد با برنامه‌ریزی و توسعه پرداخته شده است و سعی گردیده جایگاه هر یک از گزینه‌های متفاوت در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه در سطح ملی مورد بررسی قرار گیرد.

ب- جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور

آمایش سرزمین را مهندسی ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی تعبیر کرده‌اند. بدین ترتیب مقوله آمایش سرزمین به‌عنوان تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی و به‌عنوان تبیین دیدگاه درازمدت توسعه ملی براساس مراحل اساسی ذیل شکل می‌گیرد:

۱- تدوین اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه بلندمدت کشور از منظر آمایش سرزمین در یک فرایند نگاه از بالا به توسعه ملی و تعیین و تبیین بازتاب‌های سرزمینی آن

۲- تعیین امکانات و قابلیت‌ها و موانع و تنگناها که تعیین‌کننده تخصص‌ها و عملکردهای اصلی اقتصادی و اجتماعی و منشاء انتخاب فعالیت‌ها در سطح مناطق می‌باشند در یک فرایند نگاه از پایین به سطح ملی

۳- تلفیق دو فرایند نخست در برخورد با بخش‌های اقتصادی و ایجاد هماهنگی‌های بین‌منطقه‌ای و بین‌بخشی و بخشی- منطقه‌ای و تصویر بازتاب‌های سرزمینی مرحله توسعه یافتگی بخش‌های مختلف در سطح ملی

اما چه نسبتی میان آمایش سرزمین و توسعه می‌توان تعریف کرد؟ و این دو چه نسبتی با برنامه‌ریزی در معنای مرسوم خود دارد؟ قید زمان چه تأثیری بر روش‌های مطالعاتی و عملیاتی آنها خواهد گذاشت؟ نمودارهای صفحات بعد با مروری بر تعاریف، به روند تاریخی شکل‌گیری هر یک از جریان‌های مرسوم، جایگاه آنها در سیاستگذاری و هدف هریک از رویکردهای مطرح می‌پردازد.

نمودار ۱- رویکردهای متفاوت در برنامه‌ریزی و توسعه

خرد	تعریف	- فرایند تصمیم سازی کارگزاران منفرد اقتصادی
	روند تاریخی	- از ۱۷۷۶ میلادی با تدوین کتاب ثروت ملل آدام اسمیت
	هدف	- مطلوبیت مصرف کننده - سود بنگاه - تابع رفاه اجتماعی
	بعد سیاستگذاری	- رفع مشکلاتی که رفتار بهینه و حصول حداکثرهای مطلوب کارگزاران منفرد را مختل کرده است - ایجاد و گسترش عواملی که حصول حداکثر سود یا مطلوبیت را تقویت می‌کند یا فرصتهای جدیدی برای آن ایجاد می‌کند
	پی‌آمد فضایی	- تعامل فعالیت - فضا - مکانیابی جهت حداکثر کردن سود بنگاه
کلان	تعریف	- ماحصل تعامل تصمیمات کارگزاران اقتصادی در سطح کل فعالیت اقتصادی
	روند تاریخی	- از ۱۹۲۰ پس از ناکامی تحلیل های خرد در تبیین وضعیت کلان اقتصاد
	هدف	- دستیابی به سطوح و نرخهای مورد نظر متغیرهای کلان اقتصاد که این سطوح و نرخهای بهینه به تناسب تابع هدف توسعه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و ... در سازگاری با عملکرد اقتصاد خرد انتخاب می‌گردند.
	بعد سیاستگذاری	- تنظیم فضای اقتصاد کلان به گونه ای که با عملکرد بهینه کارگزاران منفرد اقتصادی در فضای مذکور اهداف کلان سیاستگذاری خاص شود که هدف مطلوب در فرایندی ارزشی تبیین می گردد.
	پی‌آمد فضایی	- پراکنش غیرهمانگ فعالیت در فضا
توسعه	تعریف	- تعریف ارزشی شاخصهای توسعه یافتگی و راهکارهای رسیدن به آن در فرایندی پایدار
	روند تاریخی	- از ۱۹۴۵ پس از طرح برنامه‌های بازسازی پس از جنگ جهانی دوم و ظهور اقتصادهای کمتر توسعه یافته در برابر توسعه یافته
	هدف	- تبیین تابع هدف منسجم اجتماعی که استراتژی توسعه بلند مدت / میان مدت / و کوتاه مدت را تعیین نموده ، شاخصهای توسعه و سطوح بهینه آنها را تبیین می‌کند
	بعد سیاستگذاری	- فرایند تبیین تابع هدف اجتماعی بهینه (شامل وجوه اقتصادی - سیاسی ، اجتماعی - فرهنگی و...) که از این میان اجزای اقتصادی سیاستها و نیز وجوه اقتصادی برخی از سیاستهای غیر اقتصادی تبیین شده و حوزه آن مشخص می‌شود
	پی‌آمد فضایی	- رابطه انسان - فعالیت - پراکنش غیرهمانگ فعالیت در فضا
آمایش	تعریف	- مهندسی ترقیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیتهای اجتماعی و طبیعی سرزمین
	روند تاریخی	- از ۱۹۴۷ پس از بروز نابرابریهای سرزمینی در اقتصادهای ملی
	هدف	- بهره‌وری از منابع و ظرفیت های اقتصادی ، اجتماعی و محیطی سرزمین
	بعد سیاستگذاری	- هماهنگی بین بخشی ، بین منطقه ای و بخشی - منطقه ای - تدوین سیاستهای مشوق و بازدارنده در جهت تحقق تصویر ترسیم شده - بهنگام سازی متناسب با تحولات زمان
	پی‌آمد فضایی	- تعامل بین انسان و فعالیت های انسان در فضا و جیدمان منطقی از استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین

نمودار ۲- مفاهیم کلی در رویکردهای متفاوت برنامه ریزی و توسعه :



بنابراین :

می توان گفت رویکرد آمایش سرزمین نه تنها رویکردی رقیب برای سایر دیدگاههای موجود نیست بلکه در همه ابعاد مکمل و برطرف کننده نارسایی های آنهاست .

این رویکرد با قابلیت ایجاد زمینه تعامل میان سه عنصر انسان ، فضا و فعالیت و ارائه چیدمان منطقی فعالیتها در در عرصه سرزمین بایستی در مراحل تدوین برنامه های توسعه (بلندمدت ، میانمدت و کوتاه مدت) و اجرای آنها به عنوان نگاه غالب و سند بالادست اعمال گردد.

ج- ضرورت‌های تهیه و اجرای برنامه‌های آمایشی

همانگونه که در مقدمه نیز اشاره شد، نبود یا مورد استفاده قرار نگرفتن یک سند ملی آمایش سرزمین مسائل و مشکلاتی را به وجود آورده است که ذیلاً مورد توجه قرار می‌گیرند:

- عدم تعادل‌های موجود در سرزمین، که بخشی ناشی از اتخاذ استراتژی قطب رشد در سالهای قبل از انقلاب و بخشی بدلیل عدم اتخاذ استراتژی‌های مناسب سازماندهی فضا در سالهای بعد از انقلاب می‌باشد، در آینده ساختار فضایی کشور را با مشکلات جدی روبرو خواهد ساخت.
- عدم بهره‌برداری مناسب از امکانات و قابلیت‌های برخی از مناطق که این امر از یکسو موجب حاشیه‌ای شدن قسمت‌هایی از سرزمین و از سوی دیگر موجب فشار فراتر از ظرفیت به منابع و عرصه‌های محدود خواهد شد.
- عدم هماهنگی‌های لازم بین بخش‌های اقتصادی در سطح سرزمین. این امر موجب عدم پیوستگی و ارتباط منطقی بین طرحهای عمرانی بزرگ کشور می‌گردد. به گونه‌ای که اگر چه عدم هماهنگی و مشکلات ناشی از آن پس از مدتی ممکن است حل گردد اما تاخیر بوجود آمده موجبات ناکارآمدی این گونه طرح‌ها را بویژه در برهه تاسیس و بهره‌برداری آنها فراهم آورده و به اتلاف هنگفتی از منابع منجر می‌گردد.
- به فراموشی سپرده شدن شرایط اجتماعی، قومی و فرهنگی مناطق (یکپارچه سازی فضا و وحدت ملی) بدلیل نادیده انگاشتن این گونه مسائل در فرآیند تهیه برنامه‌های توسعه ملی، طرحهای عمرانی بزرگ در این مناطق یا درحد ظرفیت مطلوب مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و یا ممکن است بدلیل عدم ادغام در ساختار اقتصادی مناطق و ناتوانی از ایجاد پیوندهای پیشین و پسین با سایر فعالیت‌های مکمل، سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته از کارایی لازم برخوردار نشوند.

- مسائل سیاسی - امنیتی بعد دیگری است که در برنامه‌ریزی فضای ملی به آن پرداخته می‌شود. رعایت ملاحظات سیاسی-امنیتی ممکن است منجر به توسعه یا تحدید فعالیت‌ها یا فعالیت‌هایی خاص در برخی از عرصه‌ها شود. ایجاد فعالیت و اسکان جمعیت در مناطق استراتژیک که از نظر اقتصادی قابلیت چندان‌ی ندارند نظیر اسکان جمعیت با هزینه‌های بالا در جزایر خلیج فارس نمونه مشخصی از این نوع مسائل می‌باشد.

- سازگاری زیست محیطی سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی با دید سرزمینی میسر است. طرح ایجاد بزرگراه تهران- شمال، بدلیل نادیده انگاشتن این مسائل بارها با تردید مواجه شده است.

- ساماندهی نظام اسکان جمعیت و سطح‌بندی مراکز شهری و نواحی روستایی براساس توزیع فعالیت‌ها و امکانات در پهنه سرزمین، صرفاً در فرآیند برنامه‌ریزی آمایش سرزمین قابل حصول می‌باشد.

- و بالاخره لزوم توجه به مناسبات و تعاملات جهانی و منطقه‌ای و ضرورت لحاظ کردن اینگونه متغیرها در برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و بلندمدت با توجه به اهمیت روز افزون مسائل ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک رویکردی نوین به برنامه‌ریزی را می‌طلبد که رویکردهای حاکم بر برنامه‌ریزی کلاسیک فاقد آن هستند.

بنابراین، بدلیل اینکه روشهای مرسوم برنامه‌ریزی در کشور فاقد ابزار و مکانیسم‌های لازم برای پاسخگویی به مسائل و مشکلات فوق‌الذکر است، آمایش سرزمین درکنار برنامه‌ریزی اقتصادی، ضمن تکمیل و اعتلای نظام برنامه‌ریزی کشور، می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مسائل و کمبودهای مطرح شده باشد. بدین ترتیب به‌نظر می‌رسد سند آمایش سرزمین به‌عنوان راهبردی ملی و بلندمدت می‌بایستی حاوی سطوح مختلف فراملی، ملی و استانی باشد. برای دستیابی به هدف فوق تدوین سندی بالادست که اصلی‌ترین جهت‌گیریهای توسعه بلندمدت کشور را با رویکردی راهبردی مطرح نماید در فقدان سند چشم‌انداز بلند مدت کشور، بیش از پیش ضرورت



یافت. سند مزبور یا همان نظریه پایه توسعه ملی در مرحله اول مطالعات آمایش تهیه و پس از طرح در هیئت محترم دولت در شورای آمایش سازمان مدیریت و برنامه ریزی نهایی گشت.

د- تدوین نظریه پایه توسعه ملی

همانگونه که در مقدمه نیز اشاره شد، دوره اخیر مطالعات آمایش سرزمین که از سال ۱۳۷۶ و بنا به درخواست هیئت محترم دولت آغاز شد، بر اساس طرز تلقی پیش گفته و با هدف دستیابی به نظریه پایه توسعه ملی و تدوین دیدگاه بلندمدت توسعه فضایی کشور سازماندهی و انجام شد. **نظریه پایه توسعه ملی که حاوی اصلی ترین جهت گیریهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور و تأثیرات فضایی آن برپهنه سرزمین است و به تبیین نقش و جایگاه بین المللی کشور می پردازد، نخستین تلاش برنامه ریزان و توسعه گران کشور برای رسیدن به سند مذکور بود که در نوع خود در نظام برنامه ریزی کشور بدیع بوده است.**

محورهای پنج گانه ای که در تدوین نظریه پایه توسعه ملی مدنظر بوده اند به شرح زیر می باشند:

۱- آینده نگری: این بخش که پیش نیاز اصلی برنامه ریزی بلندمدت است، سعی دارد تا حد امکان تصویری منطقی و واقع بینانه از جهان پیش رو ارائه دهد و در واقع به این سؤال پاسخ دهد که "به کجا می رویم".

۲- تحلیل موقعیت منطقه ای: این بحث به عبارتی ادامه بحث آینده نگری در حوزه ای عینی تر می باشد و در واقع درک روشنی از موقعیت و وضعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی منطقه ارائه می دهد و به این سؤال پاسخ می دهد که "در کجا هستیم".

۳- ساختار فرهنگی هویت ملی: این بخش که معمولاً تاکنون در برنامه ریزی ها مورد غفلت قرار می گرفته است به شناخت اجزای اصلی و ساختار فرهنگی هویت ملی ما می پردازد. بحث هویت، ناظر بر این است که "ما که هستیم". این بحث به دنبال آن است که بین توانمندی ها و واقعیت های اجتماعی با حفظ خط مشی توسعه تناسب ایجاد کند.

۴- تحلیل سازمان فضایی: این بحث به معنای شناخت وضع موجود آمایش سرزمین و سازماندهی فضای توسعه می باشد. این شناخت به ما می گوید "در چه وضعیتی ایستاده ایم".

۵- امکانات، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه: شناخت درست از توانمندی‌ها و کاستی‌های ما در عرصه‌های مختلف، دیگر پیش‌نیاز تدوین نظریه پایه توسعه ملی است. این شناخت به ما می‌گوید “چه داریم و چه کم داریم”.

براساس مطالعات انجام شده فوق‌الذکر و مصاحبه‌ها و نشست‌های متعدد با کارشناسان ذیصلاح و مسئولان، نظریه پایه توسعه ملی تدوین شد و نتایج آن نیز در یک نشست اختصاصی هیأت دولت و رئیس جمهور محترم در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۹ ارائه گردید.

نتایج این مطالعات بعداً در نشست‌های شورای آمایش سرزمین در داخل سازمان بررسی و با اصلاحاتی نهایی شد که در ادامه مطالعات آمایش سرزمین نیز مورد استفاده قرار گرفت. **اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های نظریه پایه توسعه ملی عبارتند از:**

۱- انتخاب راهبرد توسعه درون‌زا و برون‌نگر در جهت‌گیری‌های بلندمدت توسعه کشور با توجه به ضرورت‌های زیر:

۱-۱- تأکید بر منشأ درونی عوامل تعیین کننده و مؤثر در توسعه نظیر اراده انتخاب اهداف و جهت‌گیری‌های اساسی، قابلیت‌ها و امکانات سرزمین.

۱-۲- گسترش ظرفیت و قابلیت‌های رقابتی اقتصاد کشور بمنظور حضور و تأمین سهم مناسبی از بازارهای جهانی در کنار توجه به تأمین نیازهای بازار داخل متناسب با مقیاس و گستردگی آن.

۱-۳- استفاده مناسب از فرصت‌های بیرونی، همگامی با زمان و ارتقاء فناوری و افزایش کیفیت تولیدات به‌منظور دستیابی به اشتغال کامل و تضمین امنیت ملی.

۲- حفظ و پویایی هویت ایرانی - اسلامی در تعامل با برون‌نگری و اتکاء بر این هویت در جهت تحکیم و انسجام وحدت ملی در ابعاد درونی.

۳- تأکید بر ابعاد نوجویی و ترقی خواهی مؤلفه‌های ایرانیت و اسلامیت در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت تضمین درون‌زایی و برون‌نگری.

- ۴- استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی کشور و اتخاذ راهبردهای مناسب جهت رقابتی کردن این مزیت‌ها در تعامل با قلمروهای بیرونی با اولویت مزیت‌های منابع انسانی، موقعیت جغرافیایی، ذخایر انرژی و ذخایر معدنی به عنوان اصلی‌ترین مزیت‌های نسبی کشور.
- ۵- اتخاذ راهبردهای زیر در تنظیم جایگاه بین‌المللی کشور:
- ۵-۱- همکاری با کشورهای جنوب در جهت تأمین نیازهای متقابل.
- ۵-۲- تنظیم رابطه اقتصادی مکمل با سایر کشورها به منظور بالا بردن توان رقابت در بازارهای بین‌المللی.
- ۵-۳- تقسیم بازار به جای رقابت با سایر کشورها در حوزه‌های اقتصادی مشترک (اعم از شمال و جنوب).
- ۵-۴- ایفای نقش محوریت در تنظیم تعاملات علمی، فنی و سرمایه‌ای میان حوزه‌های شمال و جنوب.
- ۶- ایفای نقش مرکزیت در گسترش همکاری‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای و محوریت در تنظیم تعاملات و گروه‌بندی‌های مناسب با سایر کشورهای توانمند و مؤثر.
- ۷- اولویت‌دادن به قلمروهای متصل در تعامل با کشورهای جنوب بخصوص در ژرفای شمالی و جنوبی کشور.
- لازم به ذکر است که نتایج این مطالعات در زمان تهیه مقدمات برنامه چهارم به عنوان یکی از مستندات چشم انداز بلندمدت کشور مورد استفاده قرار گرفت از اینرو دستاوردهای مطالعات با خطوط کلی ارائه شده در چشم انداز از هماهنگی لازم برخوردار است.

هـ - ترتیبات تهیه طرح آمایش ملی

با توجه به پیشینه ذکر شده، در ادامه مطالعات و در راستای تهیه طرح ملی آمایش سرزمین اقداماتی با ملاحظات زیر انجام پذیرفت:

- ۱- استفاده از نتایج مطالعات مرحله اول (مطالعات سالهای ۱۳۷۹-۱۳۷۷) چه در ابعاد کلان و فراملی و چه در ابعاد راهبردهای آمایشی.

۲- عدم انجام مطالعات جدید بخشی و تأکید بر استفاده از مطالعات موجود به صورت فیش‌برداری و

سازماندهی آنها در بانکهای اطلاعاتی و استخراج جمع‌بندی از آنها

۳- تهیه طرح آمایش ملی برمبنای هماهنگ‌سازی دیدگاههای بخشی در قالب راهبردهای آمایشی و

چشم‌انداز

در این راستا با تشکیل هفده گروه مطالعاتی در بخش‌های مختلف ضمن مرور مجموعه مطالعات بخشی و اسناد توسعه‌ای تهیه شده در طی سالیان متمادی، امر ساماندهی نظریات توسعه در بخش‌های مختلف در قالب سامانه‌های اطلاعاتی و در کلید واژه‌های تعریف شده آغاز گردید تا جایی که با مطالعه بیش از صدها مجلد اسناد توسعه ملی و بخشی و استخراج اطلاعات مورد نیاز در بیش از پانزده هزار فیش اطلاعاتی اندوخته مناسبی از موضوعات و عناوین توسعه ملی و بخشی فراهم آمد که در ادامه مطالعات مبنای دسته‌بندی‌های موضوعی در هر یک از بخش‌ها قرار گرفت. هرچند برای شناسایی و گونه‌بندی موضوعی راهبردهای توسعه بخش‌ها صرفاً به مطالعات اسنادی نیز اکتفا نشد و برای تکمیل چارچوب‌های فکری مورد نیاز در هر یک از بخش‌ها به موازات فیش‌برداری و مطالعات اسنادی مجموعه‌ای از روش‌های مطالعاتی شامل تشکیل کارگروه‌های کارشناسی با مشارکت کارشناسان محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط در هر یک از بخش‌ها، برگزاری کارگاه‌های متعدد با حضور اندیشمندان و متخصصان اجرائی و دانشگاهی و یا استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و روش‌هایی از این دست سعی گردید ضمن جمع‌آوری به‌روزترین ایده‌ها و نظرات کارشناسی و تخصصی در هر یک از بخش‌ها زمینه‌های لازم برای تدوین راهبردهای توسعه بلندمدت بخش‌ها و البته فراتر از آن دیدگاه‌های بلندمدت بخشی در سایر زمینه‌های مرتبط با آمایش سرزمین فراهم آید. این زمینه‌ها در مجموع به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- راهبردهای بلندمدت توسعه بخش

۲- راهبردها و اجزا سازمان فضایی بخش

۳- سیاستهای منطقه‌ای و دیدگاههای سرزمینی بخش

۴- اقدامات اولویت‌دار بخش

براین اساس طرح آمایش ملی که حاصل هماهنگ‌سازی چهار محور فوق در تعامل با دیدگاه‌های ملی و منطقه‌ای آمایش در عرصه سرزمین است، تهیه شد. راهبردهای بخشی و فضایی هر یک از بخشها و همچنین تصویر انعکاس فضایی این راهبردها در قالب نقشه‌های بخشی ارائه شده است که مبنای تهیه اسناد توسعه بخشی در برنامه چهارم خواهد بود.

براساس طرح ملی تهیه شده، برشهای استانی آمایش سرزمین که حاوی نگاه ملی به ۲۸ استان کشور در زمینه اصول کلی و بخشهای اولویت‌دار در توسعه هر استان است، تحت عنوان نظریه پایه توسعه استان ارائه می‌شود. این دیدگاهها به همراه دیدگاه‌های استانی که براساس دستورالعمل خاصی توسط استانها تهیه خواهند شد، مبنای تلفیق و استنتاج سند ملی توسعه استانهای کشور خواهند بود که در قالب مصوبه‌های جداگانه‌ای تهیه و جهت بررسی و تصویب، تقدیم دولت خواهد شد.

بدیهی است مطالعات عرضه شده در مرحله کنونی نباید به عنوان یک سند دائمی و لایتنیر تلقی شده و بنابر دلایل زیر لازم است مطالعات مستمر در این زمینه انجام پذیرفته و نتایج آن در مقاطع مورد نیاز عرضه گردد:

۱- ماهیت مطالعات آمایشی و بلندمدت که در تمامی جوامع و کشورها به عنوان مطالعات مستمر تلقی می‌شوند.

۲- شرایط در حال تغییر در سطح جهانی و بویژه منطقه ای

۳- لزوم تکمیل و هماهنگ‌سازی مطالعات پراکنده و بدون دید سرزمینی در برخی از بخشها

۴- لزوم انجام مطالعات و تهیه طرحهای جامع بخشی با دیدگاه سرزمینی برای استفاده در مطالعات آمایش

۵- لزوم تعمیق و تفصیل مطالعات در مراحل تکمیلی که موجب انجام برخی اصلاحات در جهت‌گیری‌های اولیه می‌شود.

۶- پاسخگویی به نیازهای برخی مناطق یا موضوعات خاص که به دلایلی برخوردهای ویژه را طلب می‌نماید.

۷- ضرورت تقویت مبانی نظری، تکنیکی و معرفت‌شناسی در امر آمایش سرزمین

۸- تمرین و ممارست در بهبود روشهای ایجاد هماهنگیهای بین بخشی و بین منطقه‌ای

بخش دوم - اصلی ترین جهت گیری های آمایش ملی

با توجه به برخورداری کشور از سند چشم انداز بلندمدت توسعه، نقش و جایگاه آمایش سرزمین عمدتاً معطوف به تبیین فضایی این دیدگاه و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور از طریق ایجاد رابطه منطقی بین توزیع جمعیت و تخصیص ترکیب فعالیت ها، در پهنه سرزمین با توجه به ویژگی های فضایی - محیطی مناطق می باشد.

روند تحولات جمعیتی در طی سال های گذشته تا کنون نشان می دهد که ویژگی های جمعیتی در آستانه دگرگونی های اثرگذار بر روند توسعه کشور قرار دارد. کاهش نرخ رشد جمعیت بر اثر کاهش نرخ باروری روندی است که از چند سال گذشته آغاز شده است. بر این اساس، جهت گیری آمایشی جمعیت بایستی به گونه ای به تداوم این روند کمک نماید. با این فرض، چشم انداز افق سال ۱۴۰۰ نشانگر تداوم این روند تا رسیدن به حالت پایدار با نرخ رشد حدود ۱٪ در سال است به گونه ای که چشم انداز جمعیت کشور، جمعیتی حدود ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ را نشان می دهد. همچنین انتظار می رود پدیده جوانی جمعیت که در حال حاضر یکی از ویژگی های جامعه ایرانی است تا سال های دهه ۱۴۱۰ تداوم داشته باشد. از این روی، راهبردهای آمایش سرزمین باید بر استفاده از این پدیده در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز توسعه کشور از یک طرف و تامین فرصت های شغلی متناسب با ویژگی های جمعیت از طرف دیگر باشد. همچنین انتظار می رود روند فزاینده نسبت باسوادان، به ویژه در میان زنان، تا سال ۱۴۰۰ تداوم داشته باشد که باید به عنوان محملی برای راهبردهای کاهش باروری از یک سو و گسترش اشتغال مولد از سوی دیگر مورد استفاده قرار گیرد. ویژگی های ساختاری جمعیت به لحاظ سنی و جنسی (جوانی جمعیت و بالا رفتن نرخ مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی) و الزامات رشد اقتصادی ترسیم شده در چشم انداز، ضرورت کاهش بار تکفل شغلی و برخورداری از حدود ۳۲ میلیون فرصت شغلی را در افق زمانی مورد نظر ضروری می سازد.

از طرفی تحلیل وضع موجود سازمان فضایی کشور و روند گذشته آن تصویر نامطلوب و نگران کننده ای از توزیع جمعیت و فعالیت ها را در سرزمین نشان می دهد و پر واضح است که ادامه خودبخودی و هدایت نشده این

روند موجب تشدید عوارض نامطلوب این روند شده و افزایش تمرکزها و تراکم‌های غیر قابل کنترل، حاشیه‌ای شدن بیشتر مناطق کمتر توسعه یافته، عوارض سوء زیست محیطی، مسائل قومی-فرهنگی و عدم بهره‌برداری مطلوب از قابلیت‌ها و امکانات سرزمین را به دنبال خواهد داشت. در مقابل، عرصه وسیع جغرافیایی کشور، موقعیت ممتاز منطقه‌ای آن، برخورداری از مرزهای آبی طولانی، همسایگان متعدد و قابلیت‌های متنوع طبیعی، فرهنگی و تاریخی کشور از جمله عواملی هستند که ضرورت سازماندهی را برای بهره‌گیری مناسب از این ویژگی‌ها و رقابتی نمودن مزیت‌های کشور در فرآیند آمایش سرزمین مطرح می‌سازند.^۱

از طرف دیگر هر یک از بخش‌های اقتصادی با قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مواجهند. بخش کشاورزی با توجه به توان آب و خاک کشور با محدودیت جدی در افزایش فرصت‌های شغلی روبروست و بنابراین رسالت این بخش عمدتاً در حفظ فرصت‌های شغلی موجود و تحول ساختاری در درون بخش در راستای نوین‌سازی فعالیت‌های آن معطوف می‌شود. بنابراین در دیدگاه آمایش ملی، توزیع هدفمند فعالیت‌های اصلی اقتصادی و به تبع آن توزیع جمعیت، خدمات، تاسیسات و شبکه‌های زیربنایی با اتکاء به زمینه‌های موجود در مناطق و استانهای کشور و با توجه مزیت‌های نسبی سرزمین با تکیه بر بخش‌های صنعت، معدن و خدمات مولد مورد نظر بوده است. هرچند برخی از این بخش‌ها مثل کشاورزی و معدن وابستگی بیشتری به مکان داشته و کمتر می‌توانند به عنوان ابزاری برای بارگذاری هدفمند جمعیت و جابجایی آن در مناطق مختلف سرزمین مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین تکیه آمایش سرزمین در توزیع ارادی جمعیت و بارگذاری مناطق و عرصه‌های مختلف سرزمین و اعمال یک تقسیم کار ملی در جهت نیل به اهداف توسعه متعادل سرزمین عمدتاً معطوف به فعالیت‌های صنعتی و خدماتی و توزیع آن در سرزمین متناسب با قابلیت‌ها و توانهای منطقه‌ای است.

هرچند تصویر به دست آمده از این رویکرد، شرایط ایده‌آلی از توزیع جمعیت و فعالیت‌ها را بر پهنه سرزمین ترسیم نمی‌نماید، اما حرکتی است به سوی آرایش مطلوب فضای ملی که می‌تواند در مراحل تکاملی خود به شرایط ایده‌آل دست یابد.

۱- تحلیل ویژگی‌های سرزمین اعم از موقعیت منطقه‌ای، ساختار فرهنگی هویت ملی، امکانات و قابلیت‌های سرزمین و راهبردهای کلان توسعه ملی در مطالعات نظریه پایه توسعه ملی به تفصیل ارائه شده است.

در این فرآیند، با توجه به راهبردهای مرتبط با نظریه پایه توسعه ملی و خطوط کلی اصول آمایش سرزمین و همچنین راهبردهای توسعه فضایی بخش‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی (ارائه شده در پیوستهای این گزارش) اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های آمایشی در سه حوزه انسان، فضا و فعالیت تدوین شد که می‌بایست در راهبردهای تخصصی بخش‌های اقتصادی و استانهای کشور در تنظیم اسناد ملی بخشی، استانی و ویژه مد نظر قرار گیرند.

بر این اساس با تاکید بر این نکته که آمایش سرزمین تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا جهت نیل به توسعه پایدار است، **اصلی‌ترین جهت‌گیریهای آمایش سرزمین** عبارتند از:

- لزوم کاهش تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیت در مناطق مرکزی و پرتراکم کشور مانند استانهای تهران و اصفهان و مهار روند رو به رشد جمعیت و فعالیت‌ها در این مناطق از طریق کاهش سهم اشتغال در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی آنها و تلاش در جهت دگرگونی درونی ساختار این فعالیت‌ها در این مناطق و زمینه‌سازی برای هدایت سرمایه‌گذاری‌های متمایل به این مناطق به استانهای همجوار آنها و ایجاد فرصتهای شغلی جدید صنعتی و خدماتی در استانهای نظیر سمنان، قزوین، قم، زنجان و یزد
- تقویت نقش و عملکرد فراملی قطبهای جمعیتی مشهد، تبریز، شیراز، اهواز و کرمانشاه و افزایش نقش صنعتی و خدماتی آنها در ارتباط با افزایش تعاملات فراملی آنها با حوزه‌های همجوار با تاکید بر تحولات ساختار درونی بخش‌های فوق و نوین سازی فعالیت‌های آن
- توسعه علوم، گسترش و تجهیز مراکز علمی و تحقیقاتی و فن‌آوری کشور (با تاکید بر توسعه فن‌آوری‌های نوین نظیر IT، تکنولوژی زیستی، تکنولوژی مولکولی و ...) برای ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های تخصصی متناسب با نیازهای ملی و منطقه‌ای با تاکید بر ارتقاء سطح کیفی مراکز علمی و تحقیقاتی شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز با عملکردهای ملی و فراملی به منظور افزایش ظرفیت‌های علمی نیروی انسانی در جهت پیشبرد توسعه مبتنی بر دانایی و کاهش سهم منابع طبیعی در تولیدات ملی
- توسعه و تجهیز محورهای اصلی ارتباطی کشور در کریدورهای شمال- جنوب (در محورهای شرق، شرق میانی، مرکز و غرب) و شرقی - غربی (در محورهای دامنه شمالی البرز، دامنه جنوبی البرز و جنوب شرقی - غرب و جنوب شرقی- جنوب غربی) به عنوان دالانهای (کریدورهای) بین‌المللی

حمل و نقل جهت استفاده مناسب از موقعیت ممتاز ارتباطی کشور به عنوان محورهای اولویت‌دار در توسعه

- تحول ساختار بخش کشاورزی در جهت دستیابی به کشاورزی مدرن و رقابتی به گونه‌ای که علیرغم کاهش سهم شاغلین این بخش در کل ساختار اشتغال حد فعلی شاغلین بخش ثابت باقی بماند.
- توجه به محدودیت‌های آب و خاک و عدم امکان توسعه فعالیت‌های کشاورزی در استان‌هایی که با محدودیت‌های بیشتری در این زمینه مواجهند مثل یزد، سمنان، سیستان و بلوچستان، جنوب خراسان و افزایش سهم فعالیت‌های صنعتی و معدنی و خدماتی در این استانها جهت جذب و نگهداشت جمعیت و استفاده بهینه از منابع آب این مناطق
- استفاده حداکثر از قابلیت‌های طبیعی و امکانات آب و خاک جهت توسعه فعالیت‌های کشاورزی در استانهای شمالی، غربی و جنوب غرب کشور جهت دستیابی به امنیت غذایی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی و همچنین تاکید بر قابلیت‌های گردشگری طبیعی جهت توسعه این فعالیت در مناطق فوق
- لزوم تامین منابع پایه بویژه آب و همچنین توسعه شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی متناسب با سهم فعالیت‌های پایه و جمعیت پیش‌بینی شده برای مناطق و استانهای کشور، هر چند که در مراحل اولیه توسعه این سرمایه‌گذاریها فاقد بازدهی سریع اقتصادی باشند.
- زمینه‌سازی لازم برای استفاده حداکثر از ظرفیت‌ها و توانهای محیط‌های روستایی در حفظ و نگهداشت جمعیت در این محیط‌ها جهت برقراری تعادل در الگوی استقرار جمعیت با متنوع‌سازی فعالیت‌ها در محیط‌های روستایی، ایجاد اشتغال و افزایش نقش فعالیت‌های صنعتی و خدماتی قابل استقرار در محیط‌های روستایی به طوری که نسبت شهرنشینی و روستانشینی در افق طرح به ترتیب در حد ۷۵ درصد و ۲۵ درصد حاصل شود.
- متعادل‌تر ساختن توزیع جمعیت در سطح کشور با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در محور شرق، جنوب و مناطق کم جمعیت مرکزی و با استفاده از ابزار استقرار ارادی جمعیت در مناطق استراتژیک و کانونهای دارای قابلیت توسعه با توجه به توان محیطی عرصه‌ها و مناطق مختلف در اینگونه بازگذاری‌های جمعیتی و فعالیتی

- تعادل بخشی به توزیع جمعیت متناسب با منابع و فعالیت‌ها با تاکید بر ابعاد اجتماعی وظایف توسعه‌ای دولت در مناطق غربی و شمالی در مقابل تمرکز بر ایجاد ظرفیت‌های فیزیکی و اجتماعی مورد نیاز توسعه در مناطق شرقی، جنوبی و مناطق کم‌جمعیت مرکزی کشور به گونه‌ای که :

الف - در مناطق شرقی و جنوبی کشور:

- ۱- توسعه شبکه‌های زیربنایی این مناطق جهت زمینه‌سازی استقرار فعالیت‌های توسعه خدمات

اجتماعی متناسب با جمعیت

- ۲- تقویت مراکز جمعیتی حاشیه سواحل دریای عمان و خلیج فارس به منظور ایجاد کمربندی از

مراکز اشاعه توسعه در این مناطق با توجه به چشم‌انداز بهره‌برداری از منابع انرژی حوزه

جنوب، ذخایر معدنی دشت‌های مرکزی و جنوبی سرزمین، شیلات و صنایع دریایی و

توان‌های این مناطق از دیدگاه ترانزیتی، بازرگانی و گردشگری

- ۳- تعیین و تجهیز نقاطی در نواحی دورافتاده و حاشیه‌ای در سواحل جنوب (بویژه دریای عمان)

جهت تسریع و بسط توسعه در این نواحی با قابلیت تحرک در شبکه‌های ترانزیتی نواحی

شرقی و جنوبی کشور

ب - در مناطق غربی و شمالی کشور:

- ۱- استفاده بهینه از ظرفیت‌های زیربنایی موجود در مناطقی که از این جهت توسعه یافته‌اند با نیت

صرفه‌جویی در میزان و تسریع در بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها و اولویت به‌کارگیری امکانات بخش

خصوصی در این مناطق

- ۲- تقویت زیربناهای مناطق مستعد و کمتر برخوردار متناسب با قابلیت‌های تولیدی و خدماتی این

مناطق

- شناسایی کانون‌های جمعیتی کوچک و متوسط دارای قابلیت منابع و فعالیت در مسیرهای اصلی

مهاجرت بمنظور تغییر الگوی جذب مهاجرین و تامین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق اولویت‌دار توسعه

- گسترش تبادل فرهنگی- اجتماعی درون و بین منطقه‌ای در جهت تقویت همبستگی ملی ضمن حفظ

ساختارهای فرهنگی هر منطقه

- گسترش آموزش و بهداشت برای زنان و جوانان بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته به منظور کاهش نرخ باروری و افزایش امید به زندگی
- محدود نمودن توسعه مراکز زیست در مناطقی که از نقطه نظرهای "امنیتی و دفاعی" "حفاظت از محیط زیست" و "حراست از میراث فرهنگی" گسترش اسکان جمعیت و استقرار فعالیت در آنها توصیه نمی‌شود و گسترش شبکه‌های زیربنایی و تقویت زمینه‌ها و شرایط افزایش جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی در نقاطی از سرزمین که توسعه نقش مؤثری در رعایت ملاحظات فوق ایفاء نماید.
- تأکید خاص برآمایش مناطق مرزی برای بهبود شرایط زندگی و افزایش سطح توسعه این مناطق به منزله یک مشی پایدار تقویت امنیت مرزهای کشور.
- توسعه بهره‌برداری از قابلیت‌های معدنی کشور به عنوان یکی از مزیت‌های نسبی سرزمین با تأکید بر حداکثر نمودن عملیات فرآوری معدنی و کاهش صادرات مواد خام معدنی به گونه‌ای که به افزایش تعداد و سهم شاغلین بخش معدن بیانجامد.
- تأکید بر توسعه رشته‌های صنعتی شیمیایی و پتروشیمی، صنایع معدنی (ذوب فلزات و کانی‌های غیر فلزی)، صنایع مرتبط با حمل و نقل و الکترونیک به عنوان صنایع اولویت‌دار با توجه به مزیت‌های نسبی کشور
- افزایش تعداد و سهم شاغلین صنعتی به عنوان بخش پیشرو در تولید فرصت‌های شغلی جدید مورد نیاز
- افزایش ظرفیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و استفاده از این منابع در جهت توسعه فعالیت‌های صنعتی مبتنی بر تقویت صنایع بالا دستی و پایین دستی نفت و گاز و تکمیل زنجیره‌های تولید با تأکید بر اولویت بهره‌برداری از میادین مشترک و کاهش صدور مواد خام نفتی
- تأکید بر توسعه فعالیت‌های صنعتی مبتنی بر نفت و گاز در مناطق برخوردار از اهمیت استراتژیک و فاقد مزیت‌های مناسب برای توسعه سایر فعالیت‌های اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته جنوب شرقی کشور، سواحل دریای عمان و مناطق کمتر توسعه یافته غرب کشور باتوجه به خطوط انتقال فرآورده‌های گازی نظیر خط انتقال اتیلن عسلویه به مناطق غربی

- توجه ویژه به تولید آلیاژهای انرژی بر در تلفیق مزیت نسبی بر خوداری از ذخایر معدنی و مزیت نسبی برخوردار از منابع انرژی خصوصاً گاز و استقرار آنها در نقاط واقع بر کریدورها و محورهای حمل و نقل بین‌المللی با اولویت استقرار در مناطق تخصصی انرژی در سواحل خلیج فارس
- توسعه صنایع پشتیبان حمل و نقل شامل صنایع خودروسازی در استانهای خراسان و آذربایجان شرقی، واگن سازی و تجهیزات راه‌آهن در استان مرکزی، تولید و تعمیر و خدمات وسائط حمل و نقل دریایی در نوار ساحلی جنوب و صنایع حمل و نقل هوایی در اصفهان
- توسعه صنایع تولید کالاهای مورد نیاز کشورهای منطقه در جوار بازارهای مصرف این کشورها در استانهای مرزی با اولویت صنایع تولید کالاهای مصرفی بادوام برای همسایگان شمالی و صنایع غذایی برای همسایگان جنوبی
- توسعه فعالیت‌های بازرگانی، حمل و نقل و ترانزیت کالا با تاکید بر گسترش خدمات بازرگانی نوین تا حد حداقل حفظ سهم نسبی این گروه از فعالیت‌ها در کل شاغلین کشور
- تحول بنیادی در ساختار خدمات با تاکید بر خدمات پشتیبان تولید و خدمات گردشگری در جهت استفاده از فن‌آوری‌های نوین در این بخش متناسب با نقش و جایگاه بین‌المللی کشور
- افزایش تعداد شاغلین بخشهای خدماتی و افزایش سهم این بخش در ساختار اشتغال کشور با تاکید بر افزایش سهم خدمات نوین و دانش پایه
- باز تعریف نقش و وظایف مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با توجه به ویژگیهای مناطق کشور و با هدف تقویت تعامل لازم بین عملکرد اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی، تأمین سرمایه مورد نیاز، ارتقاء سطح فن‌آوری و گسترش و تضمین بازارها
- تمرکززدایی در نظام مدیریت سرزمین از طریق تعیین سطوح نظام مدیریتی و تعریف اختیارات هر سطح به نفع سطوح میانی و پیشبرد یک نظام سلسله مرتبه‌ای تمرکز غیر متمرکز با تأکید خاص بر توسعه اختیارات محلی و افزایش کارایی شوراهای اسلامی شهر و روستا
- سازماندهی و تقویت خدمات اجتماعی و خدمات برتر (شامل رسته‌های خدمات مهندسی مشاور، حقوقی، حسابرسی، بیمه، مالی، بازاریابی، بورس) برای ارائه خدمات پشتیبانی فرآیندهای توسعه ملی و پاسخ به تقاضای کشورهای منطقه با رعایت سلسله مراتب و ملاحظات زیر:

۱- قائل شدن نقش ویژه برای تهران و اصفهان به عنوان مراکزی با عملکرد بین‌المللی

۲- تقویت کلان شهرهای مشهد، تبریز، شیراز و اهواز برای پوشش خدماتی حوزه‌های آسیای

مرکزی، قفقاز و حوزه خلیج فارس و تجهیز آنها به خدمات برتر مورد نیاز برای بسط

همکاری‌های منطقه‌ای

۳- ایجاد شبکه‌ای سازمان یافته از شهرهای بزرگ و متوسط کشور و تجهیز آنها به نحوی که

این شهرها بتوانند در سطوح منطقه تحت نفوذ خویش بخشی از وظایف سطوح بالاتر را به

عهده گرفته و در راستای عدم تمرکز در یک تقسیم کار ملی و منطقه‌ای با این سطوح

مشارکت نمایند.

انعکاس راهبردها و جهت‌گیری‌های فوق در سرزمین که زمینه‌ساز تحقق اهداف چشم‌انداز بلندمدت

توسعه و دستیابی به توزیع مطلوب جمعیت و فعالیت‌ها در سرزمین می‌باشد، تحولات جمعیتی و

فعالیتی زیر را در استانها و مناطق کشور به دنبال خواهد داشت:

- علیرغم تثبیت تعداد شاغلین کشاورزی در کل کشور، توزیع استانی شاغلین این بخش در برخی از

استانها با تحولاتی مواجه خواهد بود. در این راستا استان‌هایی که با توجه به قابلیت‌های آب و خاک،

توانهای بارزتری برای توسعه فعالیت‌های این بخش دارند، سهم بیشتری را به خود اختصاص خواهند

داد. استانهای خوزستان، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و ایلام از این جمله‌اند و

در مقابل استان‌های مواجه با محدودیت توسعه منابع آب مثل کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان، سمنان

و استانهایی که در فرآیند توسعه ملی ماموریت‌های دیگری به عهده خواهد داشت مثل خراسان، بوشهر،

تهران و اصفهان نسبت به گذشته سهم کمتری در شاغلین این بخش خواهند داشت.

- در بخش صنایع و معادن (شامل صنعت، معدن، آب و برق و گاز و ساختمان) با توجه به پیش‌بینی

افزایش قابل توجه تعداد شاغلین این بخش در کل کشور، تمامی استانها و مناطق با رشد قابل ملاحظه

شاغلین این بخش مواجه خواهند بود. لیکن با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ای که این بخش در توزیع

ارادی و هدفمند جمعیت در پهنه سرزمین داراست، برخی از استانهایی که در راستای تعادل بخشی به

فضای سرزمین، برخورداری از توان‌های طبیعی و زیربنایی برای توسعه این بخش و یا در رابطه با

تمرکز زدایی از مراکز پرتراکم کشور ایفای نقش خواهند نمود، نقش بارزتری در این زمینه خواهند داشت. استانهای بوشهر، خوزستان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، سمنان، یزد، کرمان و قزوین از جمله استانهایی هستند که تحولات بیشتری را در زمینه صنعتی شاهد خواهند بود. استانهای تهران، اصفهان و مرکزی با توجه به اشباع فعالیتهای این بخش و استانهای چهارمحال و بختیاری، گیلان و مازنداران به دلیل اولویت فعالیتهای کشاورزی از افزایش کمتری در تعداد شاغلین این بخش برخوردار خواهند بود.

- در بخش سوم شامل فعالیتهای خدماتی و بازرگانی نیز با توجه به لزوم توسعه فعالیتهای این بخش هماهنگ با فعالیتهای صنعتی و تحقق اهداف توسعه دانش محور، تمامی استانها با رشد قابل توجهی در تعداد شاغلین این بخش مواجه خواهند بود. در این بخش نیز استانهای جنوبی کشور مثل بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان و استانهایی که در شرایط فعلی سهم محدودی از شاغلین خدماتی دارند مثل ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و اردبیل و یا در رابطه با تمرکززدایی نقش ویژه‌ای خواهند داشت مثل قزوین و سمنان شاهد تحولات بیشتری خواهند بود.

- بدین ترتیب و با توجه به بارگذاری فعالیتی، استانهای جنوبی کشور شامل خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان، استانهای دارای نقش ویژه در تراکم‌زدایی مثل سمنان، قم، قزوین و یزد و استانهای کم تراکم فعلی مثل ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان تحولات بیشتری را در افزایش جمعیت شاهد خواهند بود و استانهای تهران، اصفهان، مرکزی، گیلان و مازندران رشد جمعیتی آرام‌تری را تجربه خواهند کرد.

- نسبت شهرنشینی در استانهای هرمزگان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، سیستان و بلوچستان و سمنان افزایش بیشتری خواهد داشت و استانهای تهران، قم، یزد و اصفهان با افزایش کمتری در نسبت شهرنشینی مواجه خواهند بود.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۷)

پیوست اول

راهبردهای بلندمدت توسعه بخش

فهرست

پیوست اول - راهبردهای بلندمدت توسعه بخش

آب	صفحه ۳۰
کشاورزی	صفحه ۳۳
صنعت و معدن	صفحه ۳۷
بازرگانی	صفحه ۴۱
خدمات برتر	صفحه ۴۴
منابع طبیعی و محیط زیست	صفحه ۴۶
انرژی	صفحه ۴۸
راه و ترابری	صفحه ۵۱
مخابرات	صفحه ۵۴
گردشگری و میراث فرهنگی	صفحه ۵۵
مناطق ویژه و تخصصی	صفحه ۵۷
جامعه شهری	صفحه ۵۹
جامعه روستایی	صفحه ۶۱
آموزش عالی و تحقیقات	صفحه ۶۴
بهداشت و درمان	صفحه ۶۷

آب

راهبردهای بلند مدت توسعه:

- تقویت مدیریت ملی آب کشور بر اساس مدیریت جامع و توانان عرضه و تقاضا در کل چرخه آب با توجه به اصول آمایش سرزمین و توسعه پایدار در حوضه‌های آبریز مشترک همراه با هماهنگی‌های متقابل بین بخشی با بخش پایه‌ای آب
- بهره‌برداری از منابع آب کشور در هریک از حوضه‌های آبریز با رعایت ظرفیت تحمل منابع آب در جهت تثبیت میزان استحصال از آبهای زیرزمینی با بیلان منفی و توسعه برداشت از آبهای سطحی و غیر متعارف (استفاده از آب شیرین کن، آبهای شور و لب شور و بازیافت پسابها) بر اساس اصول توسعه پایدار و با توجه به تامین نیاز محیط‌های طبیعی آبی در سطح حوضه‌های آبریز
- هماهنگ‌سازی طرح‌های آمایش سرزمین، توسعه کالبدی و برنامه‌های توسعه بخش آب با توجه به ظرفیت تحمل حوضه‌های آبریز و امکانات توسعه منابع آب در مناطق مختلف کشور به لحاظ کمی و کیفی و توزیع مکانی و زمانی آن از نظر هزینه فرصت و تعیین ارزش اقتصادی آب در هر یک از حوضه‌ها و تعیین ارزش سرمایه‌گذاری انتقال، توزیع و تامین و بازیافت آب در بخش‌های مختلف
- اصلاح و بهبود ساختار نظام مصرف آب و مدیریت به حساب نیامده با تاکید بر طرح‌های انتقال بین حوضه‌ای با اولویت تخصیص‌های جدید آب به مصرف شرب و بهداشت، صنعت و خدمات، و کاهش سهم مصارف آب کشاورزی (با افزایش راندمان آبیاری و تخصیص آب به محصولات با ارزش اقتصادی بیشتر) با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی تولیدات و الزامات توسعه پایدار منابع، رعایت منافع ملی و حقوق طبیعی شهروندان.
- هماهنگی و یکسان‌سازی واحد مطالعات آبی (حوضه‌های آبریز، قلمرو استانی، دشت،....) در بخش‌های مختلف به عنوان قلمرو موثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی در برنامه‌های توسعه کشور در سطوح مختلف

- اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاریها و طرحهای در دست مطالعه انتقال بین حوضه‌ای و ایجاد سدهای مخزنی بر اساس استراتژیهای توزیع جمعیت و فعالیت و الزامات آمایش سرزمین
- مبادله آب با کشورهای همجوار با رعایت توجیهات فنی، اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی براساس ارزش اقتصادی، امنیتی و زیست محیطی آب در بازارهای منطقه و منافع ملی
- مهار آبهای خروجی و اولویت استفاده از منابع آبهای مشترک و ساماندهی رودخانه‌های مرزی با رعایت جنبه‌های اقتصادی و زیست محیطی
- تمرکز زدایی از ساختار مدیریت منابع آبی کشور و مشارکت گروههای ذی‌نفع در انطباق با برنامه‌های مدیریت پیشگیری (خشکسالی‌ها و سیلابها)
- جلوگیری از هدررفت آب در خطوط انتقال آب و شبکه‌های توزیع آب شهری و روستایی به عنوان اولویت اول فعالیت‌ها در مدیریت آبرسانی شهری و روستایی
- نرخ گذاری کارآمد و مناسب در جهت بهینه‌سازی مصرف آب در بخش‌های مختلف
- تجهیز و تکمیل شبکه‌های اندازه‌گیری آب
- حفظ، احیاء و بهره‌برداری پایدار از سازه‌های تاریخی آب

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- تسریع در انتقالات بین حوضه‌ای و انتقالات درون حوضه‌ای متناسب با توزیع جمعیت و فعالیتها در سرزمین با رعایت مدیریت مصرف و با تاکید بر تامین آب شرب و صنعت با اولویت تامین آب در حوضه‌های دشت گرگان (انتقال آب سراسری مازندران به دشت گرگان)، کویر مرکزی، هامون و هیرمند (چاه‌نیمه‌های زابل)، رودکل، شاپوردالکی، خلیج فارس (خط‌محرم، تامین آب بوشهرو سواحل)، میناب و بندرعباس (تامین آب در بندرعباس و جزیره قشم) و استفاده از آب شیرین‌کن‌ها و آبهای غیرمعارف با توجه به تغییر الگوی جمعیتی در این مناطق.
- تسریع در عملیات انتقال بین حوضه‌ای و تکمیل سدها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی در دست اجرا با اولویت مناطق کمتر برخوردار از منابع آب

- اولویت ایجاد شبکه‌های آبیاری و زهکشی در پایین دست سدها و مسیرهای انتقال
- مهار، کنترل و بهره‌برداری روان آبهای سطحی از طریق اجرای سدهای مخزنی، تاسیسات کوچک آبی و طرحهای آبخیزداری
- مهار، کنترل و بهره‌برداری هر چه بیشتر و سریعتر از رودخانه‌های مرزی

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱)

کشاورزی

راهبردهای بلندمدت توسعه:

- توسعه بخش کشاورزی با اهداف استراتژیک تامین امنیت غذایی و توسعه صادرات
- افزایش تولید محصولات کشاورزی با اولویت تامین نیازهای عمده مصرفی کشور و در محصولات اساسی شامل گندم، ذرت، جو، برنج، دانه‌های روغنی، علوفه، نیشکر و چغندر قند با تاکید بر تقویت روابط بخش کشاورزی و بخش بازرگانی جهت تنظیم سیاست‌های تولید، صادرات و واردات متناسب با شرایط اقتصاد جهانی
- استفاده هر چه بیشتر از اقلام دارای مزیت نسبی کشور از جمله محصولات باغی و آبزیان (خاویار و میگو) و گیاهان زینتی و دارویی با هدف صادرات
- اولویت تامین خوراک دام و علوفه در جهت افزایش پروتئین از فرآورده‌های دامی با هدف تامین امنیت غذایی
- افزایش کیفیت محصولات کشاورزی و توجه به صنایع تبدیلی و بسته بندی جهت بالا بردن توان رقابت در بازارهای جهانی
- ساماندهی بازار محصولات کشاورزی در قالب سازوکارهای تجارت مدرن از جمله تشکیل بورس محصولات کشاورزی
- انجام اقدامات اصلاحی (تجهیز و نوسازی اراضی زراعی و باغی) و بالا بردن ضریب مکانیزاسیون
- اصلاح نظام بهره‌برداری با توجه خاص به ضرورت مقابله با روند خردشدن اراضی زراعی و تسهیلات لازم برای بهینه سازی واحدهای تولید از نظر مقیاس مناسب برای ارتقاء سطح فن‌آوری و افزایش راندمان تولید
- استفاده بهینه از منابع آب و کاهش تلفات آب با استفاده از گسترش سیستم‌های نوین توزیع و آبیاری تحت فشار
- بهبود مدیریت، ارتقاء آموزش و ترویج، ایجاد نظام اطلاعات کشاورزی و تقویت جریان سرمایه‌گذاری

- گسترش همکاریهای منطقه‌ای برای استفاده متقابل از امکانات و منابع طبیعی کشورهای همجوار در زمینه طرحهای مشترک آب و خاک، دامپروری، شیلات و مبارزه با آفات و بیماریهای دامی و ...
- توسعه بخش کشاورزی مبتنی بر دانش و فناوریهای نوین به گونه‌ای که با تغییر ترکیب اشتغال از نیروی کار ساده به نیروی کار متخصص و ایجاد رشته‌های جدید شغلی متناسب با فناوریهای نوین و حذف رشته‌های شغلی سنتی و کاهش سهم این بخش در ساختار اشتغال کشور، تعداد کل شاغلین بخش تغییر نکند.
- تلاش در جهت حرکت‌های درونی و تغییر ساختار فعالیتها در درون بخش و افزایش کیفیت توان تولیدی این بخش

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- طراحی و استقرار نظام سلسله مراتبی خدمات پشتیبانی تولید با استفاده از امکانات و توان بخش خصوصی، تشکلهای تولیدکنندگان کشاورزی و نهادهای دولتی
- فشرده‌سازی هر چه بیشتر کشت در نواحی شهرها و هدایت کشت در این نواحی در جهت تخصصی شدن
- تعیین میزان سطح زیر کشت و الگوی کشت متناسب با مزیت نسبی منطقه و قابلیت تولید
- دیم کاری در اراضی با شیب کمتر از ده درصد
- تراس بندی اراضی حاشیه‌ای دره‌های کوهستانی و اراضی دامنه‌ای و اختصاص آن به کشت علوفه و درختان میوه
- توسعه کشت گلخانه‌ای و آب کشت، به ویژه در مناطق خشک و کم آب
- توسعه کشت علوفه در اراضی کوچک و پراکنده در نواحی کوهپایه‌ای و مناطق بیابانی در جهت فعالیت‌های دامپروری بجای کشت غلات
- ایجاد پرواربندی کوچک و بزرگ در نواحی کوهپایه‌ای
- ایجاد مجتمع‌های دامپروری صنعتی و نیمه صنعتی در مناطق تولید کشت نباتات علوفه‌ای

– توسعه آبی‌پروری در نواحی ساحلی و تجهیز ناوگان صید ماهی جهت افزایش صید از دریا

– استفاده تلفیقی از منابع آب جهت فعالیت‌های آبی‌پروری و زراعت متناسب با سیستم هیدرولوژی در

حوضه‌ها

در تولید بخش کشاورزی اولویت با محصولات اساسی خواهد بود که با هدف تامین امنیت غذایی (به ویژه در محصولات زراعی، دامی و آبزیان) و توسعه صادرات (با تاکید بر محصولات باغی، گیاهان دارویی و زینتی و آبی‌پروری) صورت می‌گیرند از مهمترین این محصولات بر اساس مناطق مختلف کشور می‌توان موارد زیر را نام برد:

محصولات زراعی:

غلات: در کلیه حوضه‌ها بجز حوضه طالش – مرداب انزلی

دانه‌های روغنی: عمدتاً در حوضه‌های گرگان و دشت، ارس، مرزی غرب، کرخه، مارون – جراحی،

زهره و هندیجان، ابرقو و سیرجان، جازموریان، زاینده رود، دغ سرخ، اترک

شلتوک: عمدتاً در حوضه‌های طالش – مرداب انزلی، سفید رود، ساحلی دریای خزر، زهره و هندیجان،

بلوچستان جنوبی، مند، شاپور دالکی، جازموریان، زاینده رود، اترک

نباتات علوفه‌ای: عمدتاً در حوضه‌های سفید رود، ارس، ارومیه، مرزی غربی، کرخه، دز، کارون، مارون

جراحی، زهره و هندیجان، کویر درانجیر، کویر لوت، هامون و هیرمند، بلوچستان جنوبی، مشکیل، زاینده رود،

کورسیاه کوه

حبوبات: عمدتاً در حوضه‌های دریاچه ارومیه، گرگان و دشت، ارس، کرخه، دز، کارون، مارون و جراحی،

زهره و هندیجان، کورسیاه کوه، مند، رودکل، بلوچستان جنوبی، جازموریان، زاینده رود، مرزی غرب، میناب و بندر

عباس، دریاچه نمک

گیاهان دارویی: در تمام حوضه‌ها

گیاهان زینتی: عمدتاً در حوضه‌های دریاچه نمک و ساحلی خزر

سیب زمینی: در کلیه حوضه‌ها بجز طالش – مرداب انزلی، جزایر خلیج فارس، دغ سرخ و ریگزین

باغبانی:

نخیلات: عمدتاً درحوضه‌های مرزی غرب، کارون، مارون - جراحی، شاپور دالکی، مند، ساحلی خلیج فارس، میناب و بندرعباس، کویر لوت، بلوچستان جنوبی، جازموریان، رودکل

مرکبات: عمدتاً درحوضه‌های مرزی غرب، دز، شاپوردالکی، مند، ساحلی خلیج فارس، میناب و بندرعباس، کویرلوت، بلوچستان جنوبی، جازموریان

میوه‌جات خشک: در حوضه‌های ابرقو - سیرجان، کویر درانجیر، کویر لوت، زاینده رود، دغ سرخ، ریگزین، کورسیاه کوه، دریاچه ارومیه، ارس، کرخه

سایر انواع میوه: در کلیه حوضه‌ها بجز طالش - مرداب انزلی، گرگان و دشت، جزایر خلیج فارس

دامپروری:

- پرورش دام سبک در حوضه‌های نواحی مرکزی، جنوبی، جنوب غربی و نواحی جنوب شرقی
- پرورش دام سنگین در حوضه‌های نواحی شمالی، غرب و شمال غربی و مرکزی
- پرورش طیور صنعتی در مناطق کمتر مستعد تولید علوفه و پرورش دام

آبزیان:

- عمدتاً آبگیرهای طبیعی و منابع آبی موجود در ارتفاعات زاگرس، البرز، ارتفاعات مرکزی و شمال خراسان

- در استخرهای ذخیره آب کشاورزی در حوضه‌های خوزستان و غرب، شمال، فارس و هرمزگان جهت پرورش آبزیان

بر مبنای جهت‌گیری‌های فوق و شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی به نظر می‌رسد که گرایش فعالیتی در استانهای آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، ایلام، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، زنجان، قزوین، قم، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان و لرستان کشاورزی باشد و سهم اشتغال در این بخش در استانهای یاد شده افزایش یابد.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲)

صنعت و معدن

راهبردهای توسعه بخش:

در راستای جهت‌گیری توسعه کشور که بر توسعه درون‌زا و برون‌نگر استوار است، توسعه صنعتی به دلیل قدرت ایجاد تحول در کل اقتصاد نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است که با رویکرد تامین و ارتقاء نیازهای داخلی و دستیابی به بازارهای بین‌المللی و با تکیه بر قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی و رقابتی محقق می‌گردد. به همین منظور اولویت‌های صنعتی زیر به مثابه محورهای اصلی توسعه بخش صنعت مورد تاکید قرار می‌گیرد:

- صنایع شیمیایی و پترو شیمی

- صنایع متالورژی

- صنایع پشتیبان و مرتبط با حمل و نقل^(۱)

- صنایع الکترونیک^(۲)

- صنایع کانی غیرفلزی

تاکید بر محورهای فوق به این معنا نیست که گسترش سایر رشته‌های صنعتی نظیر صنایع غذایی، تبدیلی کشاورزی و نساجی که در اکثر نقاط کشور مستقرند و تامین کننده نیازهای داخلی هستند از نظر دور داشته شده است.

برای تحقق توسعه صنعتی با رویکرد فوق راهبردهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

– بالابردن سهم صادرات محصولات صنعتی از کل صادرات کشور از طریق رقابت‌پذیر نمودن تولیدات داخلی.

– ایجاد زمینه‌های مناسب جهت جذب سرمایه‌های خارجی و مشارکت با شرکت‌های معتبر جهانی جهت

ورود به عرصه بازارهای بین‌المللی.

^(۱) صنایع پشتیبان و مرتبط به حمل و نقل طیف وسیعی از صنایع تولید ادوات حمل و نقل و صنایع تعمیر و نگهداری سیستم‌های حمل و نقل شامل خودرو و قطعات آن، واگن سازی و تجهیزات راه‌آهن، صنایع کشتی‌سازی و تعمیرات و... را در بر می‌گیرد که با توجه به وسعت و گستردگی جغرافیایی کشور و گسترش انواع سیستم‌های حمل و نقل جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی در کشور تقاضای بسیاری را دامن خواهد زد.

^(۲) صنایع الکترونیک در برگیرنده طیف وسیعی از تولید نیمه‌هادی‌ها، قطعات فعال الکترونیکی و محصولات و تجهیزات الکترونیکی می‌باشد

- گسترش صنایع انرژی بر با توجه به مزیت‌های انرژی و مواد اولیه معدنی با جهت‌گیری صادرات
- توسعه و ایجاد صنایع معدنی درجهت تکمیل زنجیره‌های تولید
- محدود نمودن صادرات مواد خام و اولیه و توسعه محصولات فرآوری شده و صنعتی جهت ایجاد ارزش افزوده بالاتر
- گسترش فناوری‌های پیشرفته در تولید محصولات صنعتی جهت ایجاد ارزش افزوده بالاتر با تاکید بر تولیدات دانش پایه
- ارتقاء مهارت و تخصص نیروی شاغل در بخش صنعت و معدن
- محدود شدن نقش دولت به ایجاد زمینه شکل‌گیری سرمایه‌های محلی و منطقه‌ای، ارتقاء توانایی‌های مناطق و رشد قابلیت‌های کارآفرینی بخش خصوصی در بخش صنعت و معدن.

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- توسعه بخش صنعت در استانهای کشور بر مبنای استعدادها و مزیت‌های نسبی و عملکرد ملی و بین‌المللی
- استقرار صنایع مبتنی بر فن‌آوری پیشرفته در شهرهای بزرگ و قطبهای اصلی صنعتی کشور و استقرار صنایع با سطح فن‌آوری متوسط و پایین در شهرهای کوچکتر و نواحی جمعیت پذیر
- بکارگیری سیاست‌های تشویقی و رفع موانع استقرار صنایع در شهرک‌های صنعتی به ویژه در مناطقی که با محدودیت‌های اراضی و یا زیست محیطی مواجه هستند
- اولویت استقرار صنایع صادراتی در نزدیکی کریدورها و مبادی ورودی و خروجی اصلی کشور
- توسعه صنعتی مناطقی که دارای مازاد ظرفیت‌های زیربنایی و استعداد استفاده نشده تولیدی می‌باشند
- توسعه فضایی فعالیت‌های صنعتی با اولویت محورهایی که تعداد بیشتری از شهرهای کوچک را در بردارند در جهت شکل‌گیری زنجیره‌های تولید میان قطبهای صنعتی.
- تعیین فعالیت‌های معدنی به عنوان فعالیت محوری در مناطقی که از استعدادهای ممتاز در سطح ملی برخوردارند.

- الزام به ارزیابی و رعایت ملاحظات زیست محیطی در استقرار صنایع در راستای پایداری توسعه
- اولویت توسعه بخش معدن و اکتشافات معدنی (حتی با مقیاس کوچک) در نواحی محروم و عقب مانده که از استعدادهای معدنی برخوردارند.

با توجه به راهبردهای فوق اولویتهای استانی فعالیت‌های صنعتی و معدنی بصورت زیر خواهد بود:

- صنایع شیمیایی و پتروشیمی: در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان، خوزستان، زنجان، فارس، کردستان، کرمانشاه، لرستان، مرکزی، سیستان و بلوچستان، ایلام، سمنان، کهگیلویه و بویر احمد
 - صنایع متالورژی: در استانهای آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، خراسان، خوزستان، زنجان، سیستان و بلوچستان، کرمان، لرستان، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد
 - صنایع حمل و نقل: استانهای آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، خراسان، خوزستان، سمنان، کرمان، مرکزی، هرمزگان، قم، سیستان و بلوچستان، قزوین
 - صنایع الکترونیک: در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، تهران، خراسان، سمنان، فارس، قزوین، کردستان، کرمانشاه، یزد، مازندران، اصفهان، گیلان
 - صنایع کانی غیرفلزی: استانهای سیستان و بلوچستان، همدان، ایلام، قم، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مرکزی، اردبیل، بوشهر، کردستان، یزد، آذربایجان غربی، اصفهان، چهارمحال و بختیاری
- در بخش معدن:

- فلزات آهنی: استانهای خراسان (سنگ آهن سنگان)، کرمان (سنگ آهن گل گهر، جلال آباد)، یزد (سنگ آهن چغارت، سنگ آهن چادر ملو)
- فلزات غیرآهنی: استانهای خراسان (فروکرم سبزوار)، آذربایجان غربی (طلای زر شوران)، اصفهان (طلای موته)، یزد (سرب و روی مهریز)، زنجان (مس سونگون)، آذربایجان شرقی (نفلین و سینیت آذرشهر)

- ذغال سنگ: استانهای یزد (طبس)، کرمان (کک سازی زرنده)، سمنان (ذغال سنگ شاهرود)

- خاکهای صنعتی و نسوز: استان چهار محال وبختیاری (خاک صنعتی شهرکرد)
- سنگهای تزئینی: استانهای مرکزی (محلات) ولرستان (الیگودرز).
- سایر مواد معدنی: استانهای خراسان (بوکسیت جاجرم)، زنجان (بُر)، یزد (پتاس خور)

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳)

بازرگانی

راهبردهای بلند مدت توسعه :

- افزایش سهم کشور در مبادلات بین المللی با تاکید بر ایجاد موازنه تجاری بر اساس اولویت بندی در بازارهای تامین تقاضا و عرضه تولیدات
- تقویت و تجهیز مبادی ورود و خروج کالا متناسب با سیستم ها و شبکه های بین المللی مبادلات بازرگانی
- ارتقاء عملکرد، اصلاح شبکه ها و تجهیزات مورد نیاز در مراکز تخلیه، نگهداری و توزیع کالا
- لغو انحصارات و محدودیتهای غیرتعرفه ای و تقویت بخش خصوصی نسبت به سهم رو به رشد بخش دولتی
- بستر سازی برای تقویت روابط تجاری بخش های تولیدی کشور با بازارهای داخلی و خارجی
- ایجاد زمینه های لازم جهت ارتقاء سهم و نقش ترانزیتی کشور در تجارت جهانی
- بستر سازی برای افزایش سهم صادرات غیر نفتی
- تقویت خدمات بازرگانی نوین ، گسترش تجارت الکترونیک و ایجاد و گسترش جغرافیایی بازارهای بورس کالا
- اصلاح و وضع قوانین و سیاست های پولی و مالی و اعتباری مناسب برای توسعه صادرات و تامین واردات
- زمینه سازی و ایجاد شرایط عضویت در سازمانها و اتحادیه های بین المللی
- بستر سازی برای ایجاد اتحادیه های تجاری میان کشورهای اسلامی
- ساماندهی نظام توزیع و خرده فروشی کالا، جلوگیری از رسوب کالا در بنادر و گمرکات و ممانعت از حمل و نقل مضاعف
- کاهش حجم مبادلات غیر رسمی از طریق ابزارهای تعرفه ای و غیرتعرفه ای

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- تقویت و تجهیز مبادی ورود و خروج کالا متناسب با کریدورها و شبکه‌های بین‌المللی ترانزیت کالا و بازارهای عرضه و تقاضا با توجه به مزیت موقعیت منطقه‌ای کشور
 - ارائه خدمات و پشتیبانی از مبادی ورود و خروج به منظور تقویت روابط بین فعالیت‌های بازرگانی و بخش صنعت در جهت صادرات مجدد
 - تاکید بر تمرکززدایی در نظام نگهداری و توزیع کالا با ایجاد مراکز تخلیه و توزیع کالا با عملکردهای ملی و منطقه‌ای در محل تلاقی کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل
 - ارائه طیف کامل خدمات بازرگانی در مبادی ورودی و خروجی به منظور تمرکززدایی از مراکز خدمات بازرگانی
 - ارتقاء نقش جزیره قشم در مبادلات بازرگانی بین‌المللی و تقویت پیوند فیزیکی آن با سرزمین اصلی
- مبادی ورودی و خروجی دریایی متناسب با نقش آنها در نظام واردات و صادرات کالا برای مصارف داخلی و عملکرد ترانزیتی در سه سطح :
- الف - بنادر سطح ۱ (با ظرفیت بالای ۱۰ میلیون تن در سال)
 - ب - بنادر سطح ۲ (با ظرفیت ۲ تا ۱۰ میلیون تن)
 - ج - بنادر سطح ۳ (با ظرفیت زیر ۲ میلیون تن) طبقه بندی می‌شود. براین اساس سطح بندی بنادر کشور در افق به شرح زیر خواهد بود:
- الف) بنادر سطح ۱ شامل: بندر امام خمینی، بندر شهید رجایی، بندر عسلویه و قشم (بندر کاوه)
 - ب) بنادر سطح ۲ شامل: بندرانزلی، بندر نوشهر، بندر امیرآباد، بندر شهید باهنر، بندر چابهار، بندر خرمشهر
 - ج) بنادر سطح ۳ شامل: بندر بوشهر
- سطح بندی مبادی ورودی و خروجی زمینی متناسب با نزدیکی به کریدورهای اصلی و شریانهای ارتباطی اصلی، شبکه‌ها و تجهیزات زیربنایی و تاسیسات و امکانات خدماتی عبارتند از:
- الف) مبادی سطح ۱ شامل: جلفا، دوغارون، آستارا، بازرگان، سرخس، میرجاوه، خسروی

ب (مبادی سطح ۲ شامل: باجگیران، میلک، رازی

ج (مبادی سطح ۳ شامل: بيله سوار، لطف آباد، پیشین، سرو

سطح بندی مراکز تخلیه و توزیع کالا متناسب با قرار گرفتن بر روی کریدورهای اصلی و تجهیزات نگهداری کالا عبارتند از :

الف - مراکز تخلیه و توزیع کالا با عملکرد ملی شامل: مشهد، تبریز، یزد

ب - مراکز تخلیه و توزیع کالا با عملکرد منطقه‌ای شامل: شیراز، اصفهان، زاهدان، قزوین، خرم‌آباد، سیرجان، گرمسار و قم

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۵)

خدمات برتر

راهبردهای بلندمدت توسعه:

- در راستای توسعه درونزا و برون نگر و به منظور تکمیل چرخه فعالیت در اقتصاد ملی و ایجاد پیوندهای موثر و پایدار با اقتصاد جهانی، طیف وسیعی از فعالیت‌های پشتیبان و خدمات تخصصی شامل خدمات مالی - اعتباری (بیمه، بورس، حساب‌رسان، بازاریابی،...)، خدمات برتر فنی و مهندسی (مهندسی مشاور، پیمانکاران) و خدمات برتر اجتماعی (مشاورین حقوقی) از اولویت برخوردارند. بر این اساس اصلی‌ترین راهبردهای این بخش عبارتند از:
- ایجاد و گسترش بازارهای تخصصی از طریق راه‌اندازی بورس کالا متناسب با گرایش‌های منطقه‌ای
 - گسترش و تقویت ارتباط با بورس‌های منطقه‌ای و جهانی
 - ایجاد تسهیلات لازم جهت شکل‌گیری مؤسسات بازاریابی با عملکرد ملی و بین‌المللی
 - تقویت و تجهیز خدمات برتر تجاری، مالی و اعتباری به منظور پشتیبانی از بخش‌های تولیدی
 - ایجاد تسهیلات لازم جهت شکل‌گیری دفاتر مهندسی مشاور تخصصی و پیمانکاران فنی با عملکرد منطقه‌ای

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- سطح بندی مراکز ارائه خدمات برتر متناسب با پیش بینی تقاضا و نقش آنها در نظام اقتصادی، تخصص‌های ملی و منطقه‌ای تولید و تاثیر آنها بر روابط درونی و بیرونی اقتصاد عبارتند از:
- مراکز سطح ۱ شامل: مراکز دارای عملکرد بین‌المللی شامل تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز، کیش
- مراکز سطح ۲ شامل: مراکز دارای عملکرد ملی شامل اهواز، کرمان، بندرعباس، همدان، کرمانشاه، رشت، مجموعه شهری آمل - بابل - قائمشهر - ساری
- مراکز سطح ۳ شامل: مراکز دارای عملکرد منطقه‌ای شامل تمام مراکز استان
- در این راستا راهبردهای زیر توصیه می‌شود:
- ارتقاء کمیت و کیفیت خدمات برتر در شهرهای مراکز استان با عملکرد منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای

– گسترش خدمات برتر در مراکز جمعیتی نظیر منطقه شهری چابهار – کنارک (باگرایش تجاری و ترانزیت در اقتصاد ملی)، منطقه شهری عسلویه – کنگان – دیر (باگرایش صنایع بالادستی و پایین دستی گاز و پتروشیمی)، خرمشهر (باگرایش تجاری) که وظیفه ویژه‌ای را به لحاظ تقسیم کار ملی برعهده خواهند داشت.

– گسترش جغرافیایی بورس مالی در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، کیش، با قابلیت ارائه خدمات فراملی

– ایجاد بورس‌های تخصصی در زمینه‌های محصولات کشاورزی (شیراز) و فلزات اساسی (اصفهان)

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۶)

محیط زیست و منابع طبیعی

راهبردهای بلندمدت توسعه:

- انجام برنامه‌های زیست‌محیطی با توجه به اصل توسعه پایدار برای جلوگیری از بروز صدمات زیست‌محیطی
- تعیین محدوده‌های ویژه زیستی، اکوسیستم‌های آبی، ساحلی و منابع طبیعی در پهنه سرزمین و صیانت از آنها
- ارتقاء فن آوریهای لازم جهت کاهش آلودگیهای آب، خاک، هوا، سرو صدا در مناطق شهری، صنعتی و مناطق کشاورزی
- اجرای طرحهای مدیریت پسماندها و گسترش روشهای بازیافت در شهرها و مناطق صنعتی
- استفاده از فن آوریهای پیشرفته در بکارگیری انرژیهای پاک و جانشین
- ارتقاء آگاهیهای عمومی و جلب مشارکتهای مردمی در حفظ محیط زیست
- ارزیابی طرحها و پروژههای ملی با معیارهای زیست محیطی قبل از تصویب آنها
- ارتقاء کمی و کیفی دانش و مهارتهای فنی نیروهای متخصص در مسائل زیست‌محیطی با توجه به شرایط محیطی کشور
- الزام صناعی که باعث آلودگی آب میشوند به تجهیز به سیستم تصفیه فاضلاب
- انجام طرحهای مرتعداری، ایجاد تعادل در تعداد دام و ظرفیت مراتع، مشارکت دامداران در امر بهره‌برداری از مراتع
- انجام طرحهای وسیع آبخیزداری در حوضه‌های آبخیز کشور جهت حفاظت خاک و کاهش فرسایش و تامین آب
- مقابله با بیابان‌زایی، تثبیت شنهای روان
- کاهش مساحت اراضی تحت کشت دیم کم بازده و تبدیل آنها به مراتع جهت حفظ، افزایش ظرفیت و اعمال مدیریت صحیح آنها
- بهره‌برداری از منابع طبیعی متناسب با ظرفیت و تحمل محیط و تجدید پذیری منابع طبیعی

- رعایت معیارهای زیست محیطی در توسعه یا ایجاد شهرها و شهرک‌های با عملکرد صنعتی
- رعایت معیارهای زیست محیطی در احداث راههای جاده‌ای و ریلی

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- ایجاد و توسعه مناطق ویژه زیستی به عنوان مناطق چندمنظوره برای حفاظت از گونه‌ها و مجموعه‌های طبیعی در مناطق حساس
- ایجاد تمهیدات لازم برای جلوگیری از ورود آلودگیها به مناطق ویژه زیستی
- جلوگیری از احداث شهرکهای صنعتی در بالا دست مناطق ویژه زیستی
- جلوگیری از عبور جاده از داخل مناطق ویژه زیستی
- رعایت معیارهای زیست محیطی در احداث سدها و جلوگیری از احداث سد بر روی رودخانه‌های حساس
- تثبیت شنهای روان به خصوص در مناطق دارای حداقل امکان توسعه کشاورزی و صنعتی و شهری حاشیه کویر
- جنگلکاری و مرتع کاری در اطراف کویر و احیای زمین‌هایی که مورد هجوم کویر واقع شده‌اند و مقابله با بیابان زایی در این مناطق
- استفاده از زمینهای کویری غیر قابل زراعت به عنوان مرتع
- افزایش سطح مناطق ویژه زیستی تا ۱۵٪ سطح کل کشور
- استفاده از انرژیهای پاک و جانشین در شهرهای بزرگ و کاهش آلودگی هوا در این شهرها با تاکید بر تهران، اصفهان، تبریز
- تامین سوخت روستائیان، عشایر و جنگل نشینان شمال، غرب و حوزه زاگرس
- کاهش تدریجی برداشت چوب از جنگلهای شمال و تامین نیاز از طریق واردات
- حفاظت از مناطق IBA (مناطق مهم پرندگان) در تالابها (شبکه پرواز)
- رعایت استفاده اصولی از سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی در مناطق زراعی
- ساماندهی جنگل نشینان، خروج دام از جنگل، بالا بردن کمی و کیفی جنگلهای کشور

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۷)

انرژی

راهبردهای بلند مدت توسعه :

- کاهش مصرف نفت و جایگزینی گاز به جای مواد نفتی به عنوان مواد اولیه در بخش صنعت و سوخت مصرفی در نیروگاه‌ها و صنایع
- جایگزینی صادرات مواد با ارزش افزوده بالا به جای صادرات مواد خام
- اولویت در توسعه میادین مشترک با تاکید بر ایجاد هماهنگی با طرف‌های مقابل و سرمایه‌گذاری مشترک
- اولویت تبدیل گاز به انرژی برق به عنوان سوخت مصرفی در زمینه‌های حمل و نقل، صنعتی، خانگی
- تاکید بر ضرورت ایجاد نهادهای بین‌المللی در جهت هماهنگی در زمینه مدیریت بازار گاز
- بومی کردن و تسلط بر فن‌آوری مرتبط با صنعت نفت و گاز (از مرحله اکتشاف تا مرحله مصرف)
- افزایش ظرفیت تولید نفت با تاکید بر الزامات برداشت صیانتی و تجهیز مبادی صدور
- ارتقاء همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی با کشورهای همجوار در زمینه تبادل برق به منظور کاهش پیک مصرف و متعادل کردن تولید
- فراهم سازی زمینه مناسب برای فعالیت بخش خصوصی در زمینه تولید، توزیع و انتقال
- استفاده از ابزار تعرفه و قیمت به منظور کاهش بی‌رویه مصرف و توسعه صنایع در مناطق مختلف کشور
- کاهش تلفات انرژی در تولید، توزیع، انتقال و مصرف آن و متعادل کردن مصرف انرژی به منظور استفاده بهینه از آن
- گسترش استفاده از انرژی‌های تجدید شونده (خورشیدی، بادی، زمین‌گرمایی، هسته‌ای و ..) در تولید برق

راهنمای سازه‌های فضایی:

- ایجاد دالانهای انرژی جهت استقرار صنایع انرژی بر با هدف صادرات در مناطق دارای برآیند مکانی مولفه‌های تامین انرژی، جابه‌جایی مواد اولیه و برخورداری از پایانه‌های صادراتی
- ایجاد و توسعه مناطق ویژه و تخصصی انرژی و صنعتی مبتنی بر استفاده از قابلیت منابع گاز به منظور استقرار صنایع پشتیبان، جنبی و زنجیره‌های تولیدی مرتبط
- استفاده از پتانسیل‌های نفت و گاز به منظور توسعه مناطق جنوبی و کمتر توسعه یافته کشور
- بهره‌گیری از قابلیت‌های طبیعی مناطق مختلف کشور به منظور افزایش ظرفیت تولید برق
- گسترش و توسعه شبکه گاز رسانی به منظور تامین سوخت مصرفی، ایجاد زمینه‌های توسعه صنعتی، تسریع روند توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و جلوگیری از خسارت‌های زیست محیطی
- پیوند شبکه گازرسانی جنوب شرقی و شمال شرقی به شبکه سراسری
- گازرسانی به نواحی غربی و نوار ساحلی جنوب و جنوب غربی
- توسعه پالایشگاه‌های موجود و احداث پالایشگاه در عسلویه
- مبادله انرژی با کشورهای همجوار با تاکید بر نفت و گاز با کشورهای شمالی (سوآپ)
- صادرات گاز به اروپا از طریق شبکه گاز ترکیه
- تاکید بر توسعه انتقال گاز میدان پارس جنوبی به شرح ذیل:
- ادامه خطوط گازرسانی نوار ساحلی جنوب تا مرز پاکستان به منظور صادرات گاز به هند و پاکستان از میدان مشترک پارس جنوبی
- احداث خطوط لوله گاز از عسلویه به مازندران تا مرز ترکمنستان (خط سراسری شماره ۴ انتقال گاز - IGAT۴)
- احداث خط لوله گاز عسلویه به آغاچاری به منظور تزریق میدانی نفت (خط سراسری شماره ۵ انتقال گاز - IGAT۵)
- احداث خط لوله گاز از عسلویه به همدان (خط سراسری شماره ۶ انتقال گاز - IGAT۶)

– احداث خط لوله گاز از عسلویه به سمت بندرعباس (خط سراسری شماره ۷ انتقال گاز).

(IGAT۷)

– احداث خط اتان / اتیلن از عسلویه تا شمال غرب کشور.

– ایجاد تاسیسات و تجهیزات سوخت‌رسانی در قشم برای کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز

– احداث تجهیزات و تاسیسات ذخیره‌سازی نفت در قشم به منظور افزایش قدرت کشور در تنظیم بازار

نفت

– تبادل برق با آفریقا و اروپا از طریق اتصال شبکه برق ایران به عراق، سوریه و ترکیه

(جلد مجموعه نقشه‌ها: نقشه‌های شماره ۸ و ۹)

راه و ترابری

راهبردهای بلند مدت توسعه:

- تقویت و تجهیز محورهای ارتباطی با در نظر گرفتن چشم انداز افزایش جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی کشور با اولویت افزایش سهم نسبی راه‌آهن در جابجایی بار و مسافر
- افزایش سهم شبکه بزرگراهی در شبکه جاده‌ای
- رفع گلوگاههای محدود کننده سرعت، ظرفیت و ایمنی به منظور افزایش کارایی شبکه
- توسعه هماهنگ شبکه ریلی همگام با افزایش ناوگان با اولویت شبکه راه آهن برقی توأم با کاهش زمان سفر
- تامین ظرفیت مناسب در ناوگان حمل و نقل دریایی در جهت افزایش سهم کشور در حمل و نقل دریایی
- بستر سازی برای تبدیل فرودگاههای منطقه‌ای به هاب هوایی
- ارتقاء کارایی گذرگاههای (کریدورهای) بین‌المللی (عبور از کشور) جهت افزایش توان رقابت‌پذیری با شبکه‌های رقیب
- ایجاد ظرفیت برای افزایش میزان ترانزیت بار و مسافر در راستای افزایش سهم کشور از تجارت بین‌المللی و استفاده از موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور
- بهره‌گیری از ظرفیت فضایی کشور در جهت ارائه خدمات به پروازهای بین‌المللی عبوری
- افزایش ناوگان هوایی با تاکید بر اولویت استفاده از هواپیماهای متوسط و کوچک
- استفاده از فن‌آوری‌های نوین در راستای افزایش ایمنی، صرفه‌جویی در مصرف سوخت، سازگاری با محیط زیست و افزایش سرعت جابجایی و در نهایت کاهش زمان و هزینه سفر
- زمینه‌سازی و تدوین قوانین و مقررات لازم در جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و جهت گیری به سمت قیمت‌های تعادلی
- کاهش عمر ناوگان در کلیه زیربخشها و افزایش ظرفیت متناسب با تقاضا

- توسعه حمل و نقل ترکیبی و ایجاد شرکت‌های حمل و نقل چند وجهی و کانتینری
- گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شرکت در مجامع تخصصی بین‌المللی

استراتژی سازماندهی فضا

- تقویت و تجهیز گذرگاههای (کریدورهای) ارتباطی بین‌المللی کشور در راستای بهره برداری از مزیت منطقه‌ای کشور با اولویت‌های زیر:
 - محورهای عمده کریدور شمال - جنوب شامل:
 - محور چابهار - سرخس و دوغارون، محور بندر عباس - امیر آباد، محور عسلویه - آستارا و محور بندر امام - بازرگان
 - محورهای عمده کریدور شرقی - غربی شامل:
 - محور سرخس و دوغارون - بازرگان، محور سرخس و دوغارون - خسروی، محور زاهدان - خسروی و محور سرخس - آستارا
 - گسترش شبکه‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای متناسب با ضرورت و الزامات اقتصادی و اجتماعی و نیازهای هر منطقه
 - ایجاد تناسب و پیوستگی بین مراکز هاب با شبکه‌های ارتباطی در جهت افزایش کارایی متقابل میان آنها
 - تقویت و تجهیز بنادر مستعد جهت تبدیل آنها به بنادر دارای قدرت ایفای نقش هاب در راستای استفاده از موقعیت منطقه‌ای کشور و پیوند بین بخش راه و ترابری با بخش‌های صنعت و بازرگانی با اولویت تبدیل بندرعباس و قشم به مرکز ورود و توزیع بار و مسافر در منطقه
 - افزایش ظرفیت حمل و نقل و ارتباطات جزیره قشم و اتصال آن به سرزمین اصلی
 - تجهیز بندرچابهار به عنوان مدخل ورودی یکی از محورهای کریدور شمال - جنوب در راستای تقویت محور شرق
 - افزایش تراکم راهها در مناطق شرق و جنوب در راستای از بن بست خارج کردن مناطق حاشیه‌ای

- استفاده از حمل و نقل دریایی در مسیرهای ساحلی به منظور کاهش تردهای جاده‌ای
- فراهم سازی ارتباطات هوایی در مسیرهای منطقه‌ای از طریق پروازهای نقطه به نقطه
- افزایش کارایی کریدور شمال - جنوب از طریق ایجاد خطوط هوایی بین‌المللی و فرودگاه‌های با امنیت مطلوب
- کاهش تمرکز و برداشتن گره‌گاه شبکه‌های عبوری از تهران و انتقال آن به استان‌های همجوار (در شرق به گرمسار، در غرب به قزوین و در جنوب به قم)

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۰)

مخابرات و ارتباطات

راهبردهای بلندمدت توسعه:

- ارتقاء نقش ارتباطی کشور در مسیر راه ابریشم اطلاعات
- توسعه ارتباطات فیبر نوری با پهنای باند مناسب بین شهری و درون شهری
- استفاده از فن‌آوریهای نوین و برتر ارتباطی و گسترش شبکه‌های مخابراتی در کشور
- اعمال مدیریت صحیح در استفاده از فضای فرکانسی کشور
- به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (IT و ICT) به عنوان ابزاری برای تمرکز زادیی از شهرهای بزرگ، توسعه منطقه‌ای و توسعه روستایی
- توسعه کاربریهای فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل: دولت الکترونیک، اقتصاد الکترونیک، بهداشت و درمان الکترونیک، آموزش الکترونیک، تجارت الکترونیک
- جهت گیری اساسی برای واگذاری خدمات دیتا به بخش خصوصی و همگانی کردن امکان دسترسی به اینترنت با سرعت و امنیت بالا
- رقابتی کردن فضای عرضه خدمات پستی و مخابراتی و ارتباطی
- گسترش فرهنگ استفاده از پست و افزایش سرانه مرسولات پستی

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- تقویت و توزیع ظرفیتهای مخابراتی در هر استان متناسب با افزایش جمعیت و فعالیت
- تقویت مراکز ثانویه در سطح کشور با عملکرد منطقه‌ای
- استفاده از ارتباطات ماهواره‌ای برای نقاط دور افتاده و صعب‌العبور
- افزایش واحدهای پستی برای کاهش مساحت و جمعیت تحت پوشش هر واحد

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۱)

گردشگری و میراث فرهنگی

راهبردهای بلند مدت توسعه :

- حفظ، احیاء و توسعه کلیه امکانات و جاذبه‌های گردشگری و میراث فرهنگی و تبدیل این بخش به عنوان یکی از بخشهای اصلی درآمدزای کشور و استفاده از آن در تقویت پیوند با سایر ملل
- کوشش در جهت اصلاح و تغییر تصویر منفی که وسایل ارتباط جمعی بیگانه از جامعه ایرانی ترسیم کرده‌اند
- جلب همکاری رسانه‌های داخلی و بین‌المللی برای ارائه تصویر جدید و جذاب از جاذبه‌های متنوع گردشگری سرزمین
- تاکید مضاعف بر حفظ محیط زیست در راستای توسعه اکوتوریسم و جاذبه‌های گردشگری طبیعی کشور
- جلب سرمایه‌های خارجی و داخلی برای ایجاد تسهیلات و تجهیزات گردشگری در تمام نقاط جاذب گردشگری کشور
- ایجاد هماهنگی بیشتر میان وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی و وزارت کشور در سطح ملی از یک سو و استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، شوراهای شهر و شهرداری در سطوح منطقه‌ای و محلی از سوی دیگر در جهت حفظ میراث فرهنگی شهرها و ایجاد شرایط مناسب قانونی، اجتماعی و فرهنگی برای جذب جهانگردان به آنها
- رونق بخشیدن به صنایع و خدمات مرتبط با گردشگری از طریق ارائه تسهیلات و ایجاد مشوقهای لازم
- ایجاد و تقویت رشته مدیریت میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان یک دوره آموزشی بین رشته‌ای با همکاری گروههای علوم اجتماعی، تاریخی، باستان‌شناسی، هنر و زبانهای خارجی
- ارتقاء سطح مهارتهای تخصصی با تاکید بر آموزش زبان به صاحبان مشاغل و مسئولیتهای مرتبط با گردشگران
- اصلاح قوانین و فرهنگ بهره‌برداری از بافتهای تاریخی

- ارتقاء سطح آموزش و ایجاد تیم‌های تخصصی از متخصصان مرمت و معماری سنتی در مراکز استان‌ها
- بویژه استانهای دارای آثار ارزشمند از لحاظ فرهنگی - تاریخی
- تدوین قوانین جدید ساخت و ساز در شهرها با همکاری متخصصان میراث فرهنگی و گردشگری جهت حفظ جاذبه‌های گردشگری و بافت‌های ارزشمند تاریخی
- تشویق و حمایت از ایجاد تاسیسات اقامتی و تفرجگاهی در همه نقاط کشور

راهبردهای سازماندهی فضایی:

- سطح بندی قلمروها، نقاط و محورهای عمده گردشگری بر اساس راههای دسترسی تسهیلات اقامتی و رفاهی و جاذبه‌های گردشگری (فرهنگی - طبیعی)
- ایجاد مناطق و محورهای ویژه و دهکده‌های گردشگری
- تدوین قوانین جدید برای جلوگیری از انحطاط محیط زیست و فضای اجتماعی سواحل دریای مازندران و اجرای دقیق آنها توسط استانداری‌ها با همکاری قوه قضاییه
- از میان بردن ریشه‌ای عوامل ایجاد ناامنی برای گردشگران خارجی در جنوب شرقی کشور
- توجه ویژه به بازسازی بافتهای شهری و خدمات گردشگری در شهرهای زیارتی
- دراین سطح از مطالعات آمایش قلمروهای زیربه عنوان قلمروهای اصلی توسعه گردشگری پیشنهاد می‌شوند:

- ۱- سواحل معتدل و جنگلهای سرسبز خزر
- ۲- رشته کوههای البرز و زاگرس
- ۳- محور شرقی و غربی مشهد، نیشابور، سبزوار، شاهرود، دامغان، سمنان، تهران، ری، قزوین، زنجان، تبریز، ارومیه، ماکو
- ۴- محور شمالی و جنوبی ساری، تهران، قم، کاشان، اصفهان، یزد، کرمان، شیراز، بندرعباس
- ۵- منطقه خوزستان
- ۶- نوار ساحلی جنوب

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۲)

مناطق ویژه و تخصصی

راهبردهای بلندمدت توسعه:

در جهت تحقق توسعه درونزا و برون نگر، محدوده‌های معینی از سرزمین که با اعمال مقررات ویژه عهده‌دار مأموریت خاص می باشند عبارتند از:

– مناطق ویژه اقتصادی

– مناطق آزاد تجاری – صنعتی

– پارک‌های علمی و فناوری

بر این اساس راهبردهای ذیل در این زمینه توصیه می‌شوند:

– بازنگری در مأموریتها، قوانین و مقررات ناظر بر عملکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جهت تخصصی

کردن این مناطق و تقویت پیوندهای لازم بین اقتصاد کشور و اقتصاد جهانی

– تقویت ارتباط میان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با پارکهای علمی و فن‌آوری و بخش‌های مختلف اقتصاد

– تاکید بر تقویت و تجهیز زیرساخت‌ها در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با حمایت دولت

– تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری با ریسک بالا در فناوری‌های نوین در مناطق ویژه و تخصصی

– ایجاد مراکز رشد تخصصی و پارکهای علمی، تحقیقاتی به منظور کاربردی کردن علم و فناوری نوین

در فعالیتهای اقتصادی و گسترش تحقیقات، خلاقیت و نوآوری

– بستر سازی جهت تجاری کردن دستاوردهای تحقیقاتی پارکها و مراکز رشد

راهبردهای سازماندهی فضایی:

– توزیع مناطق ویژه و تخصصی متناسب با نقش و عملکرد فعالیت‌های تخصصی هر یک از استان‌ها در

جهت تسریع روند توسعه منطقه‌ای

– تخصصی کردن مأموریت‌های مناطق ویژه اقتصادی متناسب با تقسیم کار منطقه‌ای

– ایجاد مراکز رشد و پارکهای علمی، تحقیقاتی در پهنه سرزمین براساس تخصص‌های منطقه‌ای و نقش و وظایف مناطق ویژه اقتصادی

– ایجاد و تقویت مناطق ویژه اقتصادی متناسب با استراتژی سازماندهی فضا در هر یک از استان‌ها

– تأسیس مراکز رشد (انکوباتور) و پارکهای علمی و تحقیقاتی همجوار با دانشگاه‌های مرتبط با توسعه فناوری‌های جدید در راستای استراتژی‌های کلان مناطق با توجه به ویژگیها و عملکرد تخصصی استانها

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۳)

راهبردهای بلندمدت توسعه :

- ایجاد شبکه ای سازمان یافته از شهرهای بزرگ و متوسط کشور و تجهیز آنها به منظور پذیرش وظایف سطوح بالاتر در منطقه تحت نفوذ در راستای عدم تمرکز در تقسیم کار ملی و منطقه‌ای.
- مطالعه و تدوین طرح‌های توسعه یکپارچه شهری به منظور ایجاد تحول علمی در نظام مدیریت شهری و افزایش توانایی‌های محلی در چارچوب سیاست‌های تمرکززدایی جاری کشور.
- تبدیل روستاهای مستعد و دارای توانایی‌های رشد و استقرار فعالیت، به روستاشهر و ایجاد و تقویت زیرساخت‌های شهری در آنها.
- ایجاد نقاط شهری جدید در مناطق مستعد گسترش فعالیت و فاقد ظرفیت کافی اسکان جمعیت جدید در مراکز شهری موجود.
- تقویت شهرهای کوچک و متوسط کوچک با قابلیت توسعه دارای مسافت مناسب از یکدیگر به عنوان منطقه‌های شهری در جهت هماهنگی بیشتر در ارائه عملکردهای مشخص در پهنه سرزمین.
- استقرار شبکه‌های سازمان یافته از شهرهای موجود و نقاط شهری جدید در کشور به گونه‌ای که بتواند پذیرای حدود ۷۵ درصد جمعیت کل کشور در افق (حدود ۶۸ میلیون نفر) باشد.
- تقویت مراکز و شبکه‌های شهری در مناطق مستعد محور شرق، جنوب، مرکز و مناطق مرزی کشور.
- بازنگری و تغییر استخوانبندی الگوی نظام شهری با اولویت توسعه، تقویت و تجهیز شهرهای متوسط.

راهبردهای سازماندهی فضایی :

- تقویت و تجهیز شهرهای تهران و اصفهان با عملکرد بین‌المللی و شهرهای تبریز، مشهد، شیراز با عملکردهای فراملی در افق ۱۴۰۰.
- قائل شدن نقش ویژه برای تهران به عنوان مرکزی با عملکرد بین‌المللی و تغییر نقش و عملکرد ملی و منطقه‌ای آن و تأکید بر توسعه علوم، گسترش و تجهیز مراکز علمی، تحقیقاتی، فن‌آوری و تمرکز فعالیت‌های متکی بر تکنولوژی پیشرفته در آن.

– آمایش درونی و تقویت کلان‌شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز با گسترش حوزه نفوذ آنها به‌عنوان مراکز ارتباطی با حوزه‌های فراملی و تجهیز آنها به خدمات و امکانات پیشرفته مورد نیاز با امکان پاسخ به تقاضاهای کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه خلیج فارس برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای.

– انتخاب و تجهیز برخی از شهرهای بزرگ به‌عنوان مراکز منطقه‌ای برای تمرکززدایی و تفویض قسمتی از وظایف متعدد تهران.

– ایجاد، تقویت و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و شبکه‌های زیربنایی و نیز فراهم‌سازی امکانات زیست در جهت افزایش جمعیت در شهرهای مستعد به‌ویژه در مناطق شرقی، جنوبی، مرکزی و مرزی کشور در جهت اهداف توسعه پایدار.

– توسعه و تقویت گزیده‌ای از شهرهای کوچک و متوسط در مناطق مختلف با هدف ایجاد زمینه برای توسعه فعالیت‌های صنعتی و خدماتی و تقویت پیوند میان جوامع شهری و روستایی.

– تقویت و توسعه نقاط سکونت‌ی موجود به‌منظور پشتیبانی از فعالیت و استقرار جمعیت در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه).

– حفظ و تقویت مراکز شهری جزایر خلیج فارس با گسترش ارتباطات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنها با سایر مناطق کشور.

– تقویت شهرهای کوچکی که به لحاظ گره‌گاهی و قراگیری بر مسیر کریدورهای حمل و نقل اهمیت ویژه‌ای می‌یابند مانند بادرود، گرمسار، انار، نیک‌شهر در افق ۱۴۰۰.

– ایجاد و تقویت منطقه‌های شهری: بندر دیر – تنبک – بندر کنگان، عسلویه – گاوبندی (منطقه شهری عسلویه)، بابل – آمل – قائمشهر – ساری، تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، بندر عباس، چابهار – کنارک، بندر امام خمینی – بندر ماهشهر، آبادان – خرمشهر و اندیمشک – دزفول

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۴)

جامعه روستایی

راهبردهای بلندمدت توسعه:

- توسعه پایدار و موزون روستایی و هماهنگی با توسعه کشور با تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی سازگار با محیط روستایی، توسعه منابع انسانی و تجهیز فضاهای روستایی.
- توسعه یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متکی بر ترکیب فعالیت های کشاورزی، صنعتی و خدماتی با بهره گیری از منابع محلی و استفاده از دانش و تکنولوژی نوین.
- توسعه منابع انسانی محلی با استفاده از دانش و تکنولوژی نوین، افزایش سطح مهارت های فنی و حرفه ای، توسعه بخش اطلاع رسانی برای تحرک اقتصادی بیشتر جوامع روستایی در جهت کاهش فاصله سطح زندگی و فرصت های رشد بین جوامع شهری و روستایی.
- بهره گیری از قابلیت های محیطی محلی مناطق روستایی به منظور سازماندهی نظام خدمات رسانی چندسطحی و اصلاح نظام برنامه ریزی توسعه روستایی، با تأکید بر افزایش هماهنگی بین سطوح مختلف برنامه ریزی و محلی نمودن فرآیند آن.
- استفاده حداکثر از ظرفیت محیط های روستایی برای حفظ و نگهداشت جمعیت متناسب با اقتصاد منطقه ای، توان های اکولوژیک و بهره گیری مؤثر و متوازن از منابع پایه پراکنده کشور در فضاهای روستایی.
- توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت های اجتماعی با تأکید بر توسعه فرصت های برابر از حیث دسترسی به منابع، امکانات و منافع میان شهر و روستا.
- ارتقای بهره وری با گسترش آموزش فنی و استفاده از شیوه ها و تکنولوژی نوین تولید اقتصادی و به کارگیری صحیح نهاده ها و علمی کردن مراحل مختلف تولید.
- توجه به شبکه های بازار و بازاریابی محلی روستایی و تحکیم پیوند آن ها با شبکه های بازارهای ملی و جهانی.

– بکارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات (ایجاد و توسعه شبکه های IT و ICT) در روستا و ارائه خدمات متنوع با هدف ارتقای مهارت روستاییان، ایجاد فرصت های شغلی و گسترش نظام اطلاعات بازارمحصول.

– مدیریت پایدار و متوازن منابع طبیعی و عوامل تولید در محیط روستا.

– تأکید بر توسعه روستایی درون زا، برون نگر و مشارکتی.

راهنمای سازماندهی فضایی:

– ایجاد و گسترش سیستم سلسله مراتبی منسجم و سطح بندی شده زیرساختی، تولیدی، خدمات رسانی و پشتیبانی در فضاها و مراکز روستایی.

– تجهیز مراکز روستایی کانونی فشرده، مجتمع و نزدیک به هم به عنوان بستر توسعه محلی.

– متناسب سازی الگوهای نظام خدمات رسانی با ویژگی ها و قابلیت های ناحیه ای و منطقه ای.

– ارائه خدمات مناسب برای تجهیز فضاها و روستایی بر حسب سطوح مراکز:

۱. در مراکز منظومه روستایی خدماتی مانند: مرکز خدمات اطلاع رسانی IT، مرکز آموزش

فنی و حرفه ای و تربیت معلم، مرکز آموزش و ترویج صنایع دستی و خانگی، بانک

، بیمارستان کوچک، صنایع سبک، دفتر پست و شبکه تلفن، مرکز خدمات

ماشین آلات کشاورزی و سایر نقلیه روستایی، بخش داری، شهرداری، حوزه انتظامی، اداره

ثبت احوال و....

۲. در مراکز مجموعه روستایی خدماتی مانند: صنایع تبدیلی، کشتارگاه بهداشتی، مرکز

بهداشتی-درمانی روستایی، دبیرستان، دفتر پست و مخابرات، دهرداری و...

۳. در حوزه های عمران روستایی خدماتی: مانند دفتر ترویج کشاورزی، دبستان، مدرسه

راهنمایی، خانه بهداشت، شبکه آب آشامیدنی، راه روستایی، برق، نمایندگی یا صندوق

پست، شورای اسلامی، پاسگاه انتظامی و....

۴. در روستاهای اقماری خدمات ساده شامل: خانه بهداشت، آب آشامیدنی، راه دسترسی و برق.

۵. در روستاهای مستقل خدمات ساده متناسب با اندازه جمعیت.

آموزش عالی و تحقیقات

راهبردهای بلند مدت توسعه:

راهبردهای توسعه آموزش عالی در راستای ارتقاء جایگاه کشور به سطح اول علمی و فن‌آوری در منطقه و تامین نیازهای علمی و فنی کشور در بخش‌های مختلف و در عرصه‌های: تولید علم و فن؛ انتقال و جذب فناوری و دانش؛ آموزش نیروی انسانی ماهر و خلاق؛ تحقیق و پژوهش و کاربردی کردن ایده‌ها به شرح زیر است:

- شناخت جهت‌گیری‌های اصلی و موضوعات محوری در توسعه و اولویت‌های علمی و فنی کشور
- ارتقاء سطح کیفی نیروی انسانی متناسب با نیازمندیهای فرآیند توسعه
- بازنگری در سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی و تدوین برنامه‌های جامع در این زمینه برای ارتقا علمی کشور
- بازنگری در ساختار تحقیقات و پذیرش دانشجو در رشته‌های علوم انسانی
- اصلاح نظام پذیرش و ساختار هرم پذیرش دانشجو با توجه به نیازهای ملی کشور و تنوع فعالیت‌ها
- اصلاح و بهبود ساختار، محتوای دروس و روش‌های آموزش در راستای توسعه کیفی دانشگاه‌ها و تربیت نیروی خلاق
- اتخاذ تدابیر لازم برای ساماندهی و جهت‌دهی به فعالیت‌های پژوهشی کلیه دستگاه‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و ترغیب دستگاه‌های اجرایی به استفاده از نتایج تحقیقات
- تقویت و توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی و ارتقای کیفیت علمی آنها
- افزایش و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در عرصه‌های پژوهش و فناوری و گسترش تسهیلات لازم برای تبادل اطلاعات و نیروی انسانی با سایر کشورها
- اهتمام جدی به آموزش و گسترش زبان فارسی به ویژه در کشورهایی که علقه‌ها و پیوندهای فرهنگی، تاریخی دیرین با ایران زمین دارند از قبیل افغانستان، تاجیکستان و شبه قاره هند
- سیاستگذاری برای ایجاد دانشگاه‌های خصوصی با مشارکت سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی به خصوص در مناطق آزاد

- ایجاد فرصت‌های برابر در سطح کشور برای دستیابی نیروهای مستعد به دانش و فن
- اتخاذ تدابیر لازم به منظور افزایش ارتباط مابین فعالیت‌های پژوهشی، تحقیقاتی دانشگاه‌ها و صنعت
- تقویت همکاری‌های بین بخشی برای ایجاد زیربناهای لازم و فراهم کردن شرایط مناسب در جهت ارتقاء و توسعه روش‌های آموزش مجازی و راه دور با تاکید بر مناطق دورافتاده و کمتر توسعه یافته

راهنمای سازماندهی فضایی:

- تعیین سطوح مراکز آموزشی با توجه به گرایش فعالیت‌های منطقه و حوزه عملکردی آن به شرح زیر:
- مراکز آموزشی با عملکرد بین‌المللی با هدف آموزش نیروی محقق و متخصص مورد نیاز کشورهای منطقه و توسعه ملی، افزایش سهم تولید علم و تحول بازار کار با تاکید بر پذیرش دانشجو در سطوح کارشناسی ارشد به بالا در شهرهای با عملکرد بین‌المللی.
- ایجاد گرایشهای آموزشی با عملکرد ملی با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص در رشته‌های خاص که در سطح کشور به صورت محدود مورد نیاز است، در مراکز دانشگاهی با سابقه متناسب با گرایش‌های منطقه‌ای فعالیت‌ها. در این مراکز تاکید بیشتر بر پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی به بالا است.
- مراکز آموزشی با عملکرد منطقه‌ای با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص به خصوص در مقطع کارشناسی، مورد نیاز استان و نواحی پیرامون در رشته‌های خاص.
- مراکز آموزشی با عملکرد استانی با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان به ویژه در مقطع کارشناسی متناسب با گرایش‌های توسعه استانی در تمامی استانها.
- مراکز آموزشی با عملکرد محلی و ناحیه‌ای با هدف تربیت نیروی ماهر مورد نیاز بازار کار استان و شهرستان‌های تابعه در سطح کاردانی (آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌های علمی، کاربردی)
- مراکز تحقیقاتی با هدف نهادینه کردن تحقیق و پژوهش در سطح منطقه و کاربردی و عملیاتی کردن ایده‌ها متناسب با فعالیتهای محوری در مناطق مختلف.
- گسترش مراکز آموزش عالی در مناطق آزاد تجاری، صنعتی با قابلیت پذیرش دانشجویان خارجی با تاکید بر تعامل با دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و مشارکت سرمایه گذاران داخلی و خارجی.

– تمرکززدایی از مراکز متراکم مقاطع کارشناسی (با اولویت تهران و اصفهان) و تفویض این وظیفه به مراکز همجوار.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۵)

بهداشت و درمان

راهبردهای بلند مدت توسعه :

- تامین، حفظ و ارتقای سلامت افراد و جامعه
- ترویج الگوهای رفتاری سالم و افزایش آگاهی‌های بهداشتی مردم و کاهش رفتارهای پرخطر
- تدوین سیاست‌های لازم جهت تنظیم خانواده و تحدید موالید
- تقدم پیشگیری بر درمان، به منظور کنترل و ریشه‌کنی بیماری‌های واگیردار
- ایجاد و توسعه بیمه‌های سلامت‌نگر و تاکید بر روش‌های پرداخت سرانه و نظارت بر عملکرد نظام بیمه درمان کشور
- تقویت هماهنگی بین بخشی به خصوص برای گسترش کمی و کیفی نظارت بر بهداشت و امنیت مواد غذایی، دارویی، بهداشتی و آرایشی و ارتقای شاخص‌ها و عوامل موثر در بهداشت و ایمنی محیط‌های خصوصی و عمومی با تاکید بر دسترسی آب آشامیدنی سالم و کنترل آلودگی‌های صوتی، شیمیایی و ..
- ایجاد و توسعه محیط‌های حمایتی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی با تاکید بر حفظ کرامت انسانی و حقوق مدنی بیماران و مشارکت با سایر بخش‌ها برای تامین نیازهای اساسی آنها
- اصلاح ساختار نظام سلامتی جامعه در راستای ایجاد یک نظام پاسخگو برای ارائه خدمات سلامتی به آحاد مردم
- وضع قوانین برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از قبیل زنان، افراد کم‌درآمد، معتادین و کودکان نوجوانان
- ایجاد تمرکز و یکپارچگی در امر سیاست‌گذاری، نظارت و ارزشیابی با تولیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ارتقاء نظام‌های نظارتی
- تغییر الگوها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری در زمینه منابع فیزیکی، نیروی انسانی و فناوری
- بازسازی و توسعه صنایع دارویی کشور و بهبود کمی و کیفی تولید دارو و مواد بیولوژیک و توجه به مزیت‌های نسبی کشور در زمینه‌های تولید داروهای گیاهی و طبیعی

- طراحی و عملیاتی کردن نظام جامع اطلاعات در بخش سلامت
- تاکید بر واگذاری ارایه خدمات سلامت به بخش غیردولتی با بهره‌گیری از نظام مناسب خرید خدمت، به منظور افزایش کارایی و بهبود مستمر کیفیت خدمات
- ایجاد و تقویت ساختارهای مناسب دولتی و غیر دولتی برای آمادگی در مقابله با حوادث طبیعی و سوانح و کاهش عوارض ناشی از آن
- عادلانه ساختن دریافت خدمات سلامت برای آحاد جامعه و تامین منابع مالی مورد نیاز برای مراقبت‌های اولیه بهداشتی
- طراحی و استقرار نظام جامع مدیریت خدمات درمانی کشور با تاکید بر تخصیص بهینه منابع و در نظر گرفتن سطح‌بندی، نظام ارجاع و ..
- ایجاد زمینه مشارکت همه جانبه سالمندان در فرآیند توسعه کشور
- مشارکت عادلانه مردم در تامین هزینه‌های بخش سلامت
- حضور فعال در بازارهای جهانی خدمات سلامت و پزشکی
- ایجاد و بهبود سازوکارهای مناسب برای استفاده از فناوری‌های برتر و روش‌های تشخیصی و درمانی نوین
- توجه سرمایه‌گذاری بیشتر در دو بخش آموزش و پرورش و ارتقاء پژوهش‌های علمی، کاربردی

راهبردهای سازماندهی فضایی

- برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل امکانات فیزیکی و نیروی انسانی در سطح کشور
- ارتقاء شاخص‌های توسعه منابع انسانی (مرتبط با بخش بهداشت و درمان) در کلیه استان‌ها تا رسیدن به متوسط شاخص‌های ملی
- سطح‌بندی خدمات درمانی سرپایی برای سهولت دسترسی و اجرای پروژه‌هایی از قبیل پزشک خانواده
- بازنگری و بهنگام سازی مستمر طرح شبکه بهداشت و درمان براساس توزیع جمعیت و فعالیت‌ها در سرزمین

– ایجاد و توسعه بیمارستان‌ها با قابلیت ارایه خدمات در سطوح فراملی در مراکز دارای این قابلیت و مناطق آزاد کشور

– توجه به ارتقای شاخص‌های بهداشتی و درمانی در استان‌های کمتر توسعه‌یافته با تاکید بر جنوب شرق کشور

– ارتقاء مراکز درمانی در مراکز جمعیتی با عملکردهای فراملی (اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز) تا سطح بیمارستان کشوری (سطح ۶ نظام خدمات درمانی)

– ارتقاء مراکز درمانی در مراکز شهری بزرگ (با جمعیت ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر) تا سطح بیمارستان قطبی (سطح ۵ نظام خدمات درمانی)

– ارتقاء مراکز درمانی کلیه مراکز استان و شهرهای با جمعیت ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر تا سطح بیمارستان منطقه‌ای (سطح ۴ نظام خدمات درمانی)

– ایجاد و تکمیل مراکز بهداشتی – درمانی سطوح ۱ و ۲ و ۳ براساس طرح نظام خدمات درمان و با توجه به جمعیت شهرها در افق ۱۴۰۰

– ایجاد پایگاه‌های اورژانس در کلیه شهرهای با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر و مراکز شهری کوچکتر با فاصله بیش از ۵۰ کیلومتر با شهرهای فوق و در طول محورهای ارتباطی اصلی به فاصله حداکثر ۵۰ کیلومتر از نزدیکترین مرکز

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۶)

پروست دوم

نظریه پایه توسعه استان

فهرست

پیوست دوم - نظریه پایه توسعه استان

۱- استان آذربایجان شرقی	صفحه ۷۲
۲- استان آذربایجان غربی	صفحه ۷۴
۳- استان اردبیل	صفحه ۷۶
۴- استان اصفهان	صفحه ۷۸
۵- استان ایلام	صفحه ۸۰
۶- استان بوشهر	صفحه ۸۲
۷- استان تهران	صفحه ۸۵
۸- استان چهارمحال و بختیاری	صفحه ۸۷
۹- استان خراسان	صفحه ۸۹
۱۰- استان خوزستان	صفحه ۹۱
۱۱- استان زنجان	صفحه ۹۳
۱۲- استان سمنان	صفحه ۹۵
۱۳- استان سیستان و بلوچستان	صفحه ۹۷
۱۴- استان فارس	صفحه ۹۹
۱۵- استان قزوین	صفحه ۱۰۲
۱۶- استان قم	صفحه ۱۰۴
۱۷- استان کردستان	صفحه ۱۰۶
۱۸- استان کرمان	صفحه ۱۰۸
۱۹- استان کرمانشاه	صفحه ۱۱۰
۲۰- استان کهگیلویه و بویراحمد	صفحه ۱۱۲
۲۱- استان گلستان	صفحه ۱۱۴
۲۲- استان گیلان	صفحه ۱۱۶
۲۳- استان لرستان	صفحه ۱۱۸
۲۴- استان مازندران	صفحه ۱۲۰
۲۵- استان مرکزی	صفحه ۱۲۲
۲۶- استان هرمزگان	صفحه ۱۲۴
۲۷- استان همدان	صفحه ۱۲۷
۲۸- استان یزد	صفحه ۱۲۹

نظریه پایه توسعه استان آذربایجان شرقی

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت، معدن و بازرگانی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- ارتقاء سطح خدمات برتر در تبریز تا سطح یک ملی در جهت تقویت نقش فراملی کشور برای تامین نیازهای توسعه استانهای همجوار و پاسخگویی به تقاضای کشور های منطقه قفقاز.
- تقویت شبکه ها و تجهیزات مبادی ورودی و ارتباطی حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی تجهیز مبادی ورود و خروج برای ارتباط با کشورهای منطقه قفقاز، و تامین ارتباطات حوزه خلیج فارس با قفقاز و اروپا با توجه به قرارگیری استان در کریدور شمال - جنوب.
- توسعه صنایع براساس نیاز کشور و منطقه با اولویت صنایع ماشین سازی، متالورژی، صنایع حمل و نقل، صنایع شیمیایی و الکترونیک.
- توسعه بهره برداری از معادن فلزی و غیر فلزی دارای قابلیت صادرات به بازارهای مصرف خارجی و فرآوری آنها بویژه مس.
- توسعه بخش کشاورزی و زیربخش های زراعت و دامداری در محصولات نظیر پیاز، غلات و محصولات باغی نظیر زردآلو، بادام و گردو بر اساس قابلیت های استان از جمله دشت های متعدد با تاکید بر ارتقاء سطح فناوری و نوسازی در ساختار بخش.
- توسعه و تقویت بخش بازرگانی با توجه به طیف فعالیت ها و موقعیت های بازرگانی و مرکزیت منطقه ای با وجود منطقه ویژه تخصصی جلفا.
- تقویت فرصت استفاده از طیف وسیعی از فعالیتهای تجاری و صنعتی با توجه به انتخاب تبریز به عنوان یکی از مراکز ملی تخلیه و توزیع کالا.

- تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و هویت ملی در استان با تاکید بر تبریز به مثابه مرکز فرهنگی کشورهای آذری زبان در منطقه.
 - توسعه چند وجهی استان متناسب با اهمیت و نقش استراتژیک آن در وضع موجود.
 - افزایش امکانات و تاسیسات گردشگری و تقویت و توسعه صنایع دستی، خدمات و کالاهای فرهنگی - سنتی منطقه.
 - تقویت فرودگاه تبریز بعنوان هاب منطقه‌ای.
 - تقویت مراکز آموزشی و تحقیقاتی تبریز همراه با تعامل با دانشگاه‌های معتبر خارجی به منظور دستیابی به مرزهای جدید دانش و فن در رشته‌های فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم پایه، علوم انسانی و با عملکرد ملی صرفاً در رشته پزشکی و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشورهای منطقه و استان‌های همجوار
 - توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر پیش بینی می‌شود:**
- سهم استان در اشتغال کلیه بخشها بویژه مشاغل خدماتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.
 - سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور اندکی افزایش یافته و میزان جمعیت آن از مرز ۵ میلیون نفر خواهد گذشت.
 - با توجه به ترکیب مشاغل و توان جوامع روستایی نسبت شهرنشینی استان به حدود ۷۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۸)

نظریه پایه توسعه استان آذربایجان غربی

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، صنعت و بازرگانی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- تقویت تجهیزات و شبکه های حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی و تجهیز مبادی ورود و خروج به منظور ارتباط با کشورهای همجوار در جهت بهره برداری از موقعیت ارتباط با اروپا با توجه به استقرار استان بر روی کریدور بین المللی شرقی - غربی.
- توسعه بخش بازرگانی به عنوان یکی از بخش های اصلی توسعه در استان با توجه به موقعیت منطقه ای استان و وجود مبادی ورود و خروج متعدد در استان.
- توسعه بخش کشاورزی بویژه زیربخش باغداری در تولید محصولات نظیر سیب، گردو، انگور و بادام با توجه به منابع گسترده آب و خاک و توسعه دامپروری و پرورش آبزیان و تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری متناسب با شرایط استان در حدی که کشاورزی استان تا حد یک فعالیت صنعتی مدرن تحول یابد.
- توسعه بخش صنعت با اولویت صنایع غذایی و صنایع پتروشیمی و شیمیایی با احداث خط انتقال اتان / اتیلن از منطقه عسلویه، صنایع کانی غیر فلزی و الکترونیک.
- تقویت بخش معدن با توجه به ذخایر معدنی قابل ملاحظه در استان و فرآوری مواد معدنی.
- افزایش امکانات و تجهیزات گردشگری با توجه به ظرفیتهای طبیعی و تاریخی استان.
- تاکید بر آمایش مناطق مرزی.
- توسعه خدمات برتر در شهر ارومیه با عملکرد منطقه ای.

- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص
مورد نیاز در سطح ملی در گروه‌های کشاورزی و دامپزشکی

- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال کشاورزی افزایش، در مشاغل صنعتی ثابت و در مشاغل خدماتی کاهش خواهد یافت.

- جمعیت استان به ۳ تا ۳/۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت گرچه سهم نسبی آن با کاهش مواجه می‌شود.

- با توجه به ترکیب مشاغل و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در استان به حدود ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۱۹)

نظریه پایه توسعه استان اردبیل

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی و صنایع مرتبط با کشاورزی و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- تقویت بخش کشاورزی به عنوان محور توسعه متناسب با منابع آب و خاک و پوشش گیاهی استان با اولویت محصولات باغی نظیر انگور، گیلاس، هلو، فندق و محصولات زراعی همچون چغندر و ذرت و دامداری با متعادل کردن رابطه جمعیت دامی و ظرفیت تعلیف، گسترش دامپروری های متمرکز.
- توسعه صنایع با اولویت صنایع مرتبط با کشاورزی اعم از صنایع تبدیلی و غذایی، صنایع تولید ابزار و ادوات مورد نیاز آن و صنایع کانی غیرفلزی.
- تسریع در فعالیتهای زمین شناسی برای تعیین امکانات و قابلیت های معدنی استان به ویژه معادن مس، سرب و روی، طلا و پتاس و بهره برداری از آنها.
- در جهت بهره برداری از موقعیت فراملی کشور، اتصال اردبیل به راه آهن آذربایجان برای تقویت شبکه حمل و نقل و ترانزیت کالا در ارتباط با کشورهای منطقه جهت بهره برداری از موقعیت منطقه ای کشور و ارتقاء کیفی راههای درون استانی و بین منطقه ای.
- تقویت زیربنای شهری جهت افزایش کارایی استان در پذیرش نقش بیشتر در فرایند توسعه ملی و منطقه ای.
- افزایش تقویت امکانات و تاسیسات گردشگری با توجه به جاذبه های تاریخی و طبیعی (چشمه های آب گرم) استان جهت پذیرش سیاحان کشورهای منطقه.
- تقویت خدمات برتر بمنظور پشتیبانی از فرایند توسعه استان.

- توجه ویژه به آمایش مناطق مرزی استان.
- توسعه منابع آبی جهت توسعه اراضی زیرکشت از طریق احداث سد برروی رودخانه‌ها با اولویت رودخانه‌های مرزی.
- توسعه شبکه گازرسانی جهت جلوگیری از تخریب منابع طبیعی.
- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش‌های توسعه استانی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال کلیه بخش‌ها بویژه بخش کشاورزی در کشور افزایش خواهد داشت.
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور اندکی افزایش خواهد داشت و سطح جمعیت آن به حدود ۱/۸ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در استان به حدود ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۳)

نظریه پایه توسعه استان اصفهان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان بر پایه: "توسعه متعادل و چند وجهی بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و افزایش سهم استان در تعاملات ملی و فراملی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توجه ویژه به اصفهان به عنوان یکی از کانونهای اصلی آموزش و تولید دانش و فن آوری و نیروی متخصص، پرورش فرهنگ و هنر اصیل ایرانی - اسلامی و تولید کالاهای فرهنگی.
- تعادل بخشی به توسعه صنایع با اولویت صنایع متالورژی و ذوب فلزات، صنایع شیمیایی، الکترونیک، صنایع حمل و نقل هوایی با توجه به زمینه های موجود و موقعیت مرکزی استان، زیر بناهای قوی و منابع انسانی متخصص و ماهر در این بخش به همراه ارتقاء سطح فناوری و کاهش سهم صنایع کاربر.
- توسعه بهره برداری از معادن موجود در استان در زمینه معادن فلزی و غیر فلزی (سنگ طلا، پتاس، سرب و روی)، نفت و سنگهای تزئینی ساختمانی.
- توسعه، تقویت و تجهیز امکانات و تاسیسات گردشگری برای پذیرایی و اقامت از سیاحان داخلی و خارجی.
- توسعه و تجهیز بخش خدمات برتر با تاکید بر توسعه صدور خدمات فنی، مهندسی و تخصصی که علاوه بر پاسخ به نیازهای توسعه منطقه ای و ملی قابلیت پاسخگویی به تقاضای کشورهای منطقه را نیز داشته باشد.
- افزایش راندمان در بخش کشاورزی جهت استفاده بهینه از منابع آب و تاکید بر ارتقاء سطح فناوری و اصلاحات ساختاری و سازمانی در مدیریت بخش، با توجه به محدودیت ایجاد فرصتهای شغلی جدید در این بخش.

- تقویت نقش و عملکرد پارک علمی فن آوری اصفهان با توجه به ترکیب فعالیتهای استان و موقعیت آن در همجواری با مراکز صنعتی کشور و همچنین ایجاد پارک علمی و فن آوری اطلاعات برای ایفای نقش یکی از مراکز اصلی IT در ایران.

- تقویت و توسعه امکانات لازم برای ایفای نقش ملی و فراملی در ارائه خدمات درمانی.

- توجه ویژه به هماهنگی میان توسعه اقتصادی و توسعه فضایی استان در راستای متعادل نمودن کانونهای جمعیتی

- توجه جدی به میراث فرهنگی و طبیعی اصفهان با عنایت به اهمیت و جایگاه جهانی میراث فرهنگی آن.

- تقویت مراکز آموزشی و تحقیقاتی اصفهان همراه با تعامل با دانشگاههای معتبر خارجی به منظور دستیابی به مرزهای جدید دانش و فن در رشتههای فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم پایه و هنر و عملکرد ملی صرفاً در رشته پزشکی و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشورهای منطقه و استانهای همجوار

- توسعه آموزشهای فنی و حرفهای با توجه به الزامات توسعه و گرایشهای تخصصی فعالیتها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیتهای جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخشهای مختلف بویژه صنعت (علیرغم افزایش در تعداد شاغلین) کاهش خواهد یافت.

- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نیز کاهش خواهد یافت و روند مهاجر پذیری گذشته استان به سمت مهاجر فرستی میل خواهد کرد. سطح جمعیتی این استان نیز به حدود ۵ تا ۵/۵ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۸۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشهها: نقشه شماره ۲۰)

نظریه پایه توسعه استان ایلام

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی (زراعت و دامداری)، معدن، صنایع و مبادلات مرزی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه فعالیت های کشاورزی با توجه به امکانات مناسب آب و خاک و پوشش گیاهی استان، در زیربخش های زراعت با تولید محصولاتی نظیر غلات، گندم، جو و ذرت و زیر بخش باغداری نظیر گردو و توسعه دامپروری با تاکید بر ارتقاء سطح فناوری.
- بهره برداری حداکثر از قابلیت های معدنی استان و توسعه صنایع مرتبط با معدن.
- توسعه امکانات و تجهیزات مناسب برای حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی در جهت بهره برداری از موقعیت منطقه ای کشور با توجه به امکان ارتباط استان با کشور عراق.
- توسعه صنایع با اولویت صنایع شیمیایی در صورت اجرای پروژه انتقال خط اتان/ اتیلن از عسلویه با چشم انداز تحرک و توسعه فعالیت های مرتبط با بخش نفت و گاز و در نظر گرفتن ذخایر غنی استان، همچنین توسعه صنایع مرتبط با کشاورزی و کانی غیر فلزی.
- توسعه و تقویت شبکه های ارتباطی بین منطقه ای و درون استانی برای گسترش روابط استان با سایر استان ها و تحرک اقتصادی بیشتر آن.
- تنوع بخشیدن به فعالیت های روستایی برای نگهداشت جمعیت در جوامع روستایی استان.

- توسعه بخش عمران شهری در ارائه امکانات و خدمات شهری خصوصاً در زمینه امکانات رفاهی و گذراندن ایام فراغت و افزایش جاذبه‌های اقامتی، تأکید خاص بر توسعه امکانات و تجهیزات فرهنگی در سطح استان.
- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش‌های توسعه استانی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم کنونی افزایش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن به مرز یک میلیون نفر نزدیک خواهد شد.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۷۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۴)

نظریه پایه توسعه استان بوشهر

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنایع نفت، گاز و فعالیتهای مرتبط با آن، خدمات بازرگانی، آبرزی پروری و محصولات تخصصی کشاورزی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- در جهت تقویت نقش فراملی کشور با توسعه امکانات و تاسیسات بهره برداری از منابع گازی پارس جنوبی و ایجاد یک منطقه تخصصی انرژی، امکان استقرار ظرفیت های متنوع و گسترده ای از صنایع شیمیایی فراهم می آید و توسعه زنجیره های مرتبط با آنها بر کارایی تخصصی کشور می افزاید.
- توسعه و تجهیز امکانات و شبکه ها و تاسیسات مناسب برای حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی در جهت بهره برداری از موقعیت منطقه ای کشور با توجه به دسترسی استان به آبهای آزاد و قرار گرفتن در موقعیت مکانی در کنار محور میانی کریدور شمال - جنوب.
- توسعه و تامین شرایط مناسب زیست و تسهیل نقش و وظیفه تخصصی جزیره خارک به عنوان مرکز اصلی صادرات نفت در جهت بهره برداری از موقعیت فراملی کشور.
- توسعه فعالیتهای جنبی و پیوسته صنایع مرتبط با تولیدات فازهای مختلف پارس جنوبی با هدف گسترش هر چه بیشتر صنایع مرتبط با انرژی، نظیر سیمان و متالورژی، کانی غیرفلزی، حمل و نقل، صنایع پایین دست و مصرف کننده مشتقات گازی در قالب مناطق صنعتی و تخصصی.
- تقویت بخش بازرگانی و ارتقاء سطح خدمات برتر در بندر عسلویه با عملکرد ملی در جهت تقویت نقش فراملی و نیز توسعه فعالیتهای پشتیبانی خدماتی نظیر مراکز تجاری، تحقیقاتی و اداری مورد نیاز فعالیت های ذکر شده در بند بالا.

- توسعه فعالیتهای کشاورزی در زیربخشهای باغداری با محصولاتی نظیر خرما و پرورش آبزیان با توجه به سواحل طولانی خلیج فارس.
- توسعه امکانات گردشگری با توجه به افزایش تحرک اقتصادی استان .
- تقویت مراکز جمعیتی موجود و توسعه مناطق مناسب جهت اسکان جمعیت با توجه به چشم‌انداز توسعه فعالیت در حوزه نفوذ فازهای پارس جنوبی و همچنین ارتقاء نقش بنادر دیر و کنگان از طریق ایجاد یک مجموعه شهری.
- کاهش ، عدم تعادل‌های فضایی بین جنوب و شمال استان - ناشی از تمرکز فعالیتهای مدرن صنعتی در بخش جنوبی استان - با کشیدن دامنه فعالیتهای مبتنی بر صنایع پایین دستی گاز و پترو شیمی به نواحی درونی سرزمین.
- توجه ویژه به محیط زیست شکننده استان از طریق اعمال مدیریت هماهنگ و آینده نگر بر ذخایر و عرصه‌های زیست محیطی و منابع طبیعی استان با تاکید بر حفاظت از اکوسیستم های ویژه نوار ساحلی.
- توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش‌های توسعه استانی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- با توجه به فعالیت های وسیع پیش بینی شده در منطقه پارس جنوبی و پیامدهای آن سهم استان در اشتغال کلیه بخشها به استثناء فعالیتهای بخش کشاورزی به شدت افزایش خواهد یافت.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم کنونی آن نیز به میزان زیادی افزایش داشته و استان به شدت مهاجر پذیر خواهد بود. سطح جمعیتی استان به حدود ۲/۵ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۸۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۱)

نظریه پایه توسعه استان تهران

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی ها و نقش و جایگاه استان در توسعه ملی، این استان: "نقش مدیریت عالی فرآیندهای توسعه ملی و روابط فراملی کشور و توسعه امور تخصصی علمی و فنی، خدمات برتر و صنایع با تکنولوژی برتر را به عهده خواهد داشت." تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- استان تهران با قرار گرفتن در محل تلاقی اکثر محورهای ارتباطی کریدورهای شرقی - غربی و شمالی - جنوبی، امکان استفاده از طیف وسیعی از فعالیت های تجاری و صنعتی را دارد و با توجه به برخورداری از انواع تخصص ها و پیشرفته ترین عملکرد ها، کماکان در بسیاری از عملکردها نقش اصلی و محوری و پیشرو را ایفا خواهد کرد. تقویت مراکز انتخابی در استانها و مناطق کشور علاوه بر پخشایش مناسب تر امکانات در سطح کشور، فرصت ارتقاء کیفی عملکرد موجود را فراهم می آورد.
- مهمترین اولویت آمایشی در استان تهران تاکید بر آمایش مجموعه شهری تهران و فرصت انتخاب مجدد فعالیت های تخصصی این منطقه و تجمع زدایی از فعالیت های غیر ضروری به موازات پیشبرد خط مشی بند فوق می باشد تا فرصت های جدیدی برای بازسازی تدریجی تهران در بیست سال آینده فراهم شود.
- تحول ساختار صنعتی استان با اولویت صنایع HT به عنوان جهت گیری اصلی فعالیتهای صنعتی استان در صنایع خودروسازی و حمل و نقل، صنایع الکترونیک و صنایع شیمیایی.
- توسعه نقش و جایگاه IT در فعالیت های تولیدی و خدماتی و کمک به ارتقاء عملکرد سایر استان ها در این زمینه.
- استفاده از فرودگاه بین المللی امام خمینی به عنوان HUB منطقه ای و ارائه خدمات فرودگاهی به پروازهای عبوری با توجه به موقعیت منطقه ای کشور

- تقویت خدمات برتر در تهران تا حد استانداردهای جهانی در جهت تقویت و ارتقاء نقش فراملی کشور به ویژه در حوزه منطقه آسیای مرکزی و خاور میانه و شبه جزیره عربستان . این خدمات شامل طیف وسیعی از خدمات تخصصی و گسترده در زمینه های مالی، تجاری ، حقوقی، بیمه، علمی و تحقیقاتی، بانکداری و بورس، مهندسی مشاور، خدمات رفاهی و ایام فراغت می باشد.
- مدیریت یکپارچه کاربری اراضی در مجموعه شهری تهران و توجه جدی به مساله محیط زیست با اولویت مهار آلودگی هوا.
- حفظ سهم استان در بخش کشاورزی با تاکید بر افزایش راندمان و ایجاد تحول در بنیانهای تولیدی بصورتی که بر فعالیت های مشابه در سایر استانها اثرگذار باشد .
- توسعه و گسترش تبادلات و تعاملات فرهنگی با سایر کشورها با توجه به نقش تهران در ارائه فرآورده های فرهنگی کشور.
- تقویت مراکز آموزشی و تحقیقاتی تهران همراه با تعامل با دانشگاه های معتبر خارجی به منظور دستیابی به مرزهای جدید دانش و فن در رشته های پزشکی ، فنی و مهندسی ، کشاورزی و دامپزشکی، علوم پایه، علوم انسانی و هنر و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشورهای منطقه و استان های همجوار
- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- در راستای سیاست های تمرکززدایی از مناطق پرتراکم مرکزی به نفع مناطق کمتر توسعه یافته کشور، سهم استان از شاغلین کلیه فعالیتهای اقتصادی (به استثناء فعالیتهای بخش کشاورزی) کاهش خواهد یافت.
- سهم استان از جمعیت کل کشور نیز با کاهش قابل توجهی (علیرغم افزایش در میزان جمعیت) مواجه خواهد بود.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت نسبت شهرنشینی در این استان نزدیک ۹۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه ها: نقشه شماره ۲۲)

نظریه پایه توسعه استان چهار محال بختیاری

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه گردشگری و کشاورزی با تاکید بر باغداری و دامپروری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- انتخاب سیاست های مناسب برای توسعه امکانات و تجهیزات پذیرایی و اقامتی در مناطق طبیعی و شهرهای استان با توجه به وجود رودخانه های پر آب، چشمه سارهای متعدد، قله های برفگیر، جنگل ها، مراتع و آبشارهای استان با عملکرد ایجاد یک منطقه طبیعی جهت گسترش فعالیتهای ایرانگردی.
- توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و احیاء آن و ارتقاء قابلیت های زیست محیطی برای پایدار سازی توسعه و ایجاد یک منطقه برخوردار از معیار ها و ضوابط زیست محیطی.
- توسعه بخش کشاورزی با توجه به امکانات آب و خاک و پوشش گیاهی در زیر بخش های زراعت با محصولاتی نظیر غلات و حبوبات و باغداری با تولید محصولاتی نظیر گردو و بادام با تاکید خاص بردامپروری و تاکید بر ارتقاء سطح فناوری زراعت و باغداری و صنعتی کردن دامداری ها.
- تقویت و تجهیز صنایع مرتبط با کشاورزی اعم از صنایع تبدیلی و صنایع توسعه ادوات و وسایل کشاورزی ماشین سازی و کانی غیر فلزی.
- توسعه فعالیتهای معدنی متناسب با ذخایر کانی های غیر فلزی استان با اولویت خاک نسوز برای مصارف داخلی.
- تعادل بخشی و ساماندهی الگوی استقرار و مراکز فعالیت با توجه به فعالیتهای محوری استان.
- توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در گروه های کشاورزی و دامپزشکی

- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش‌های کشاورزی و خدماتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.

- سهم جمعیت استان نسبت به کل جمعیت کشور تغییر چندانی نخواهد داشت و سطح جمعیت استان به بیش از یک میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۶۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۵)

نظریه پایه توسعه استان خراسان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان بر پایه: "بهره گیری از موقعیت جغرافیایی و فرهنگی استان در تعاملات فراملی، با استفاده از ظرفیت های ممتاز گردشگری، صنعتی، کشاورزی، و خدمات حمل و نقل" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- در جهت تقویت نقش فراملی کشور، با توجه به نقش تاریخی و موقعیت جغرافیایی استان جهت گیری محوری نظریه دراز مدت استان، توسعه فرهنگی و تقویت امکانات و خدمات لازم و پاسخ به تقاضای جوامع متأثر از فرهنگ ایرانی در حوزه آسیای مرکزی و کشورهای همجوار می باشد. منطقه ای که همواره این استان را مرکز و پایگاه نشر فرهنگی خراسان بزرگ دانسته اند.
- توسعه صنایع با توجه به تقاضای حوزه نفوذ خارجی و تقاضاهای بازار ملی و منطقه ای با اولویت صنایع شیمیایی، متالورژی، حمل و نقل، الکترونیک و غذایی.
- توسعه فعالیت های معدنی در بخش فلزات آهنی و غیرآهنی و مواد معدنی شیمیایی.
- توسعه و گسترش خدمات برتر تا بالاترین سطح در حدی که بتواند علاوه بر پشتیبانی لازم از توسعه همه جانبه استان، پاسخگوی طیف خدمات برتر مورد نیاز کشورهای منطقه در حوزه نفوذ شرقی و شمالی استان باشد.
- توسعه کشاورزی در زیربخش های زراعت (تولید محصولاتی نظیر غلات، جالیز، چغندر وزیره)، باغداری (تولید محصولاتی نظیر گیلاس، زرشک، سیب، بادام و انگور) با تاکید ویژه به مزیت نسبی استان در تولید زعفران و دامداری همراه با افزایش سطح زیر کشت و ارتقاء سطح فن آوری متناسب.

- افزایش امکانات و تجهیزات و تسهیلات بازرگانی برای ترانزیت کالا، مسافر و انرژی در جهت بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ای کشور با توجه به قرارگرفتن استان در مسیر کریدورهای شرقی - غربی (محورهای ارتباطی سرخس - دوغارون - بازرگان و سرخس - دوغارون - خسروی) و شمالی - جنوبی (محورهای سرخس - دوغارون - چابهار و سرخس - دوغارون - بندرعباس) و طیف فعالیت های بازرگانی و صنعتی و همچنین وجود منطقه ویژه سرخس و انتخاب مشهد به عنوان یکی از مراکز ملی تخلیه کالا.
- تقویت امکانات و خدمات مورد نیاز توسعه سیاحت و زیارت با توجه به جذابیت روز افزون آستان قدس رضوی و افزایش زائران از کشورهای منطقه.
- آمایش مرزهای استان.
- ارتقاء تجهیزات و توسعه فرودگاه مشهد جهت تبدیل به هاب هوایی.
- تقویت مراکز آموزشی و تحقیقاتی مشهد همراه با تعامل با دانشگاه‌های معتبر خارجی به منظور دستیابی به مرزهای جدید دانش و فن در رشته‌های کشاورزی، علوم پایه، علوم انسانی و عملکرد ملی صرفاً در رشته پزشکی و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشورهای منطقه و استان‌های همجوار
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش‌های صنعتی و بویژه خدماتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.
- سهم جمعیت استان نسبت به کل جمعیت کشور، اندکی افزایش خواهد داشت و سطح جمعیت آن به بیش از ۹ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۳)

نظریه پایه توسعه استان خوزستان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، صنایع سنگین، نفت و بازرگانی بین‌المللی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت‌های فوق مانع بهره‌گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می‌باشد:

- تدوین استراتژی مناسب برای استفاده بهینه از میادین نفت و گاز در این استان جهت تقویت نقش منطقه‌ای کشور.
- توسعه صنایع در استان با اولویت صنایع شیمیایی و پتروشیمی، متالورژی و ذوب فلزات، حمل و نقل، الکترونیک، غذایی (با قابلیت صادرات به کشورهای حاشیه خلیج فارس و با توجه به تولیدات عمده کشاورزی) صنایع کانی غیرفلزی.
- توسعه فعالیت های کشاورزی با توجه به وضعیت آب و خاک استان در زیربخش‌های زراعت با محصولاتی نظیر: نیشکر، دانه های روغنی، ذرت و محصولات جالیزی، باغداری با محصولاتی نظیر: خرما و مرکبات، دامداری و پرورش آبزیان (با تولید طیف متنوعی از محصولات) و نیز ارتقاء سطح فن آوری، اصلاحات ساختاری و مدیریتی و حل مسائل توسعه بخش .
- توسعه زیرساخت‌ها و شبکه های مرتبط با انرژی با توجه به میادین غنی نفت و گاز این استان که همواره در تعیین نقش منطقه‌ای و بین‌المللی کشور موثر بوده و خواهد بود.
- ضرورت تجهیز و گسترش امکانات و شبکه های حمل و نقل کالا و مسافر و انرژی با توجه به دسترسی به آبهای آزاد و قرارگیری در نقطه آغازین محور غربی کریدور ارتباطاتی شمال و جنوب و تقویت امکانات و تجهیزات بخش بازرگانی با توجه به موقعیت و امکانات ارتباطی استان.

- توسعه خدمات برتر در اهواز و آبادان - خرمشهر، با امکان ارائه خدمات قابل عرضه به کشورهای منطقه علاوه بر پشتیبانی از فرایند توسعه کشور.
 - انتخاب اهواز بعنوان یکی از مراکز توسعه و تقویت IT کشور.
 - توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح‌های ملی در گروه‌های فنی و مهندسی، کشاورزی، دامپزشکی، علوم پایه و علوم انسانی در سطح منطقه‌ای در گروه پزشکی
 - توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال کلیه بخشهای اقتصادی نسبت به سهم کنونی آن در کشور تا حد قابل توجهی افزایش خواهد داشت.
 - سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نیز افزایش نسبتاً قابل توجهی داشته و روند مهاجر پذیری گذشته آن در آینده نیز ادامه خواهد داشت. سطح جمعیتی استان به حدود ۶/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به کمتر از ۸۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۴)

نظریه پایه توسعه استان زنجان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت و معدن، کشاورزی، بازرگانی و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه شبکه های زیر بنایی جهت تسهیل ارتباطات فراملی از جهت قرار گیری بر مسیر کریدور شرقی - غربی.
- استفاده مناسب از موقعیت و ظرفیت های استان جهت تعادل بخشی به حرکت های جمعیتی از شمال و شمال غربی کشور به سوی تهران.
- توسعه صنعتی استان با توجه به قرار گیری در محور تهران - تبریز و همجواری با قطبهای صنعتی متعدد در مرکز و غرب کشور با اولویت صنایع متالورژی و ذوب فلزات، صنایع مرتبط با انرژی (با توجه به عبور هر سه خط انتقال انرژی) و صنایع شیمیایی و پتروشیمی.
- توسعه بخش معدن با توجه به قابلیت های استان خصوصاً در معادن سرب و روی، مس و مواد معدنی شیمیایی.
- توسعه کشاورزی متناسب با ظرفیت منابع آب در استان، با تاکید برارتقاء سطح فن آوری و نوین سازی ساختار بخش و نیز توجه به زیربخش های باغداری (با محصولاتی نظیر انگور و زیتون) و زراعت (با محصولاتی نظیر غلات، یونجه، حبوبات و سیب زمینی).
- توسعه فعالیت های حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست استان توجه به گونه های نادر گیاهی، تنوع اقلیمی و اکولوژیکی استان.

- توسعه بخش بازرگانی در استان با توجه به چشم انداز توسعه صنعتی آن و تنوع بخشیدن به الگوی سنتی ارتباطی در منطقه تهران - تبریز و فعال شدن روابط استان با استانهای همجوار.

- توسعه بخش خدمات برتر در استان برای پشتیبانی از روند توسعه استان.

- تعادل بخشی به سازمان فضایی استان با تقویت و تجهیز مراکز مستعد شهری در مناطق جنوبی و شمالی آن

- توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح ملی در گروههای علوم پایه و در سطح منطقهای در گروه پزشکی

- توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایشهای تخصصی فعالیتها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخشهای صنعتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش داشته و در سایر بخشها تقریباً ثابت خواهد ماند.

- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نیز با کاهش اندکی مواجه خواهد بود و سطح جمعیتی آن به حدود ۱/۳ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به کمتر از ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۶)

نظریه پایه توسعه استان سمنان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت و معدن، گردشگری و آموزش عالی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه فعالیت های صنعتی به جهت موقعیت مناسب منطقه ای و همجواری با قطب صنعتی تهران، با توجه به محدودیت های منابع آب و خاک و کمبود ظرفیت های مناسب جهت توسعه بخش کشاورزی با اولویت در: صنایع شیمیایی و صنایع حمل و نقل (قطعه سازی)، صنایع الکترونیک و صنایع کانی غیر فلزی.
- توسعه و تجهیز و بهره برداری از معادن متنوع و غنی استان و ایجاد صنایع مرتبط با ذخایر موجود به ویژه معادن بوکسیت، ذغال سنگ، طلا و کرومیت.
- توسعه شبکه ارتباطات و حمل و نقل استان جهت جابجایی کالا و مسافر و انرژی با توجه به قرار گیری استان در مسیر کریدور بین المللی شرقی - غربی کشور و استفاده از موقعیت استان جهت توسعه ارتباط شمال، جنوب کشور بدون عبور از تهران.
- تنوع بخشی به فعالیت های کشاورزی از طریق توسعه کشت گلخانه ای و کشت گیاهان داروئی.
- توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و پناهگاه های حیات وحش در استان و همچنین جلوگیری از پیشروی کویر به جهت دستیابی به توسعه پایدار.
- توسعه تاسیسات و امکانات گردشگری با توجه به جاذبه های طبیعی و تاریخی استان.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه ای در گروه فنی و مهندسی
- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان .

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخشهای صنعت و معدن و تاحدودی بخشهای خدماتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و روند مهاجر پذیری آن در آینده تشدید خواهد شد. سطح جمعیتی این استان به حدود ۱/۴ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۸۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۷)

نظریه پایه توسعه استان سیستان و بلوچستان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه فعالیت های بازرگانی (با تاکید بر بازرگانی خارجی)، صنعت و معدن و استفاده حداکثر از قابلیت های کشاورزی و شیلاتی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیت های استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- بهسازی و تجهیز محور شرقی کریدور شمال - جنوب و نیز ارتباطات کریدور شرق - غرب از منطقه آزاد چابهار تا مبادی خروجی غربی و شمال غربی کشور و هم چنین تقویت تجهیزات و امکانات حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی، به منظور تقویت نقش فراملی کشور و بهره برداری از موقعیت منطقه آزاد چابهار.
- تاکید خاص بر توسعه بخش بازرگانی و ترانزیت کالا با توجه به وضعیت استان به عنوان دروازه ورود کالا از بازارهای جهانی به مقصد کشورهای محصور در خشکی و شرق کشور.
- اتصال چابهار به راه آهن سراسری از طریق جازموریان - بم - کرمان در راستای تعامل و پیوند با فضا های دیگر و خروج از انزوا در سطح منطقه.
- توسعه و بهبود زیرساخت های ارتباطی و مخابراتی.
- استفاده از فعالیت های بخش نفت و گاز برای تقویت ارتباطات اقتصادی استان با کشور به ویژه در فعالیتهای مربوط به اکتشاف و همچنین ایجاد ظرفیت های تولید صنایع پتروشیمی و شیمیایی با انتقال گاز به استان.
- توسعه فعالیت های صنعتی در استان بویژه در منطقه چابهار با اولویت در صنایع متالورژی، حمل و نقل، ماشین سازی و کانی غیرفلزی.

- نگهداشت سطح فعلی کشاورزی با تاکید بر افزایش عملکرد در سطح و توجه به زیربخش‌های باغداری با محصولاتی نظیر خرما، مرکبات، انگور و توسعه صید و پرورش آبزیان.
- تاکید بر تامین آب بخصوص از طریق چاه نیمه‌ها در سیستان با اولویت، شرب و بهداشت و صنعت.
- توسعه بخش معدن و فعالیت‌های مرتبط با آن با توجه به ذخایر معدنی استان از جمله کرومیت و آهن.
- توسعه بخش گردشگری با توجه به جاذبه‌های طبیعی استان به ویژه در منطقه ساحلی چابهار و تفتان.
- نگاه ویژه به استان و اعمال سیاست‌ها و روش‌های کارآمد و منطبق با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی استان در حوزه‌های امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به دلیل وضع نامطلوب استان در این حوزه ها و شکاف عمیق آن با مرکز در کل شاخص‌های توسعه و بحران‌های موجود در زمینه آسیب‌های اجتماعی و وضعیت زنان و کودکان.
- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه‌ای در گروه‌های فنی و مهندسی و علوم پایه و با عملکرد بین‌المللی در منطقه آزاد چابهار
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان .

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش‌های خدماتی و تاحدودی صنعتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد یافت.
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور با افزایش قابل توجهی مواجه خواهد بود و سطح جمعیتی آن بالغ بر ۳ میلیون نفر خواهد شد.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۵)

نظریه پایه توسعه استان فارس

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنایع پیشرفته، گردشگری، استفاده حداکثر از قابلیت های کشاورزی و ارائه خدمات برتر" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه فعالیت های کشاورزی با توجه به عملکرد و امکانات این استان در تولید گندم کشور و با تاکید بر محصولات باغی نظیر مرکبات، انار، انگور و انجیر و همچنین توسعه دامداری با تاکید بر ارتقاء فن آوری و تجدید ساختار فعالیت های بخشی و تاسیس بورس محصولات کشاورزی در شیراز.
- ایجاد صنایع پشتیبان و پائین دستی پتروشیمی و توسعه صنایع الکترونیک با ایفای نقش در سطح ملی و صنایع مرتبط با کشاورزی اعم از صنایع غذایی و صنایع تبدیلی تولید ابزار و وسایل کشاورزی همراه با نوسازی ظرفیت های تولید.
- تقویت امکانات فرودگاهی و گسترش شبکه های ارتباطی برای دسترسی به کشورهای همسایه و استان های همجوار.
- تنوع بخشیدن به اقتصاد مناطق روستایی برای افزایش نرخ فعالیت ها و مشارکت در این نواحی.
- توجه ویژه به محیط زیست و منابع طبیعی استان و اسکان عشایر.
- توسعه خدمات و امکانات گردشگری با توجه به قابلیت های طبیعی و تاریخی فراوان استان در سطح ملی و فراملی.
- توسعه و تقویت زیربنای استان متناسب با توسعه جمعیت و فعالیت.

- با توجه به موقعیت تاریخی استان به عنوان یکی از مراجع اصلی نشر و توسعه ادب و فرهنگ پارسی و نقش شهر شیراز به عنوان قطب فرهنگی اجتماعی، تقویت خدمات و امکانات بخش های فرهنگی توصیه می شود.
- با این چشم انداز استان فارس یکی از استانهای چند تخصصی است که نقش استراتژیک در توسعه مناطق جنوبی و تقویت نقش فراملی کشور خواهد داشت.
- توسعه و تقویت بازرگانی و تعامل فعال با بازارهای جهانی و جذب سرمایه های ایرانیان خارج از کشور و سرمایه های خارجی .
- تعادل بخشیدن به نظام استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه استان .
- توجه جدی به میراث فرهنگی و طبیعی فارس با عنایت به اهمیت و جایگاه جهانی میراث فرهنگی آن.
- تقویت مراکز آموزشی و تحقیقاتی شیراز همراه با تعامل با دانشگاه های معتبر خارجی به منظور دستیابی به مرزهای جدید دانش و فن در رشته های پزشکی، فنی و مهندسی ، کشاورزی و دامپزشکی، علوم پایه ، علوم انسانی و تامین نیروی انسانی مورد نیاز کشورهای منطقه و استان های همجوار
- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان .

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش های صنعتی نسبت به سهم کنونی افزایش خواهد یافت و در سایر بخشها با تغییر چندانی مواجه نخواهد بود.
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم کنونی آن افزایش داشته و سطح جمعیتی آن به حدود ۶ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۶)

نظریه پایه توسعه استان قزوین

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت، کشاورزی، گردشگری و استفاده حداکثر از قابلیت های بازرگانی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه بخش کشاورزی با توجه به قابلیت های مناسب آب و خاک و اقلیم استان از طریق ارتقاء فناوری و تحول در روش های بهره برداری با جهت گیری صادراتی زیربخشهای زراعی، باغداری و دامداری و آبیاری پروری.
- توسعه صنعتی با تاکید بر جذب برخی از سرمایه گذاری های جدید صنعتی متمایل به تهران، ارتقاء سطح فناوری و تحولات ساختاری و تکمیل زنجیره های تولیدی صنایع موجود و صنایع الکترونیک و حمل و نقل با تاکید بر محور قزوین - تاکستان - ابهر.
- ایجاد پارک های علمی و فن آوری با توجه به فراوانی صنایع کوچک و متوسط و ظرفیت های متنوع و گسترده صنعتی موجود در استان و قرار گرفتن در میان قطبهای صنعتی تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی.
- توسعه بخش بازرگانی با توجه موقعیت استان که در محل تلاقی محور های ارتباطی شرق و غرب و کریدور شمال - جنوب واقع شده است می تواند گام موثری در جهت کاهش مرکزیت توزیع کالا در تهران بشمار آید.
- توسعه فعالیت های ناظر بر بهره برداری از ظرفیت های معدنی استان با اولویت کانی های غیر فلزی جهت بهره برداری از قابلیت ها.

- توسعه خدمات برتر برای پشتیبانی از توسعه استان و نیز پشتیبانی از صنایع در جهت افزایش سطح بهره برداری از فعالیتهای صنعتی.
- تعادل بخشی به سازمان فضایی استان و تقویت و تجهیز مراکز شهری مستعد در نواحی شمالی و جنوبی آن.
- توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایشهای توسعه استانی
- توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایشهای تخصصی فعالیتهای در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال کلیه بخشهای اصلی اقتصادی بویژه بخش صنعت نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد داشت.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نیز نسبت به سهم فعلی آن افزایش داشته و سطح جمعیتی آن به حدود ۱/۸ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۸)

نظریه پایه توسعه استان قم

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه گردشگری (زیارت) آموزش عالی و صنعت" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه بخش سیاحت و گردشگری با توجه به جاذبه های زیارتی استان و افزایش روزافزون زائران از کشورهای منطقه.
- پذیرش بخش هایی از فعالیت های صنعتی تهران در چارچوب طرح تمرکز زدایی از صنایع تهران.
- ایجاد صنایع قطعه سازی خودرو، و صنایع وابسته به انرژی با توجه به عبور خطوط انتقال انرژی (نفت و گاز و فرآورده های نفتی) از استان و همچنین توسعه فعالیت های صنعتی مرتبط با معدن با توجه به تنوع قابلیت های معدنی و کانسارهای موجود استان.
- نگهداشت سطح فعلی فعالیت های کشاورزی با توجه به نازل بودن نزولات جوی و محدودیت های منابع آب سطح الارضی و زیر زمینی و هم چنین خاک شور استان، با تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری و توسعه کشت گلخانه ای متناسب با این شرایط برای بازارهای استان و مناطق اطراف.
- توسعه فعالیت های زیست محیطی برای مقابله با مسائل اقلیمی نظیر کویر، پیشروی آب شور در برخی نواحی و آلودگی های زیست محیطی.
- گسترش تاسیسات و تجهیزات مرتبط به توسعه بخش بازرگانی و توسعه فعالیت های منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان
- ایجاد و توسعه امکانات فرهنگی روزآمد و متناسب با نیازهای جمعیت جوان استان.

- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه‌ای در گروه علوم انسانی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان از اشتغال بخش‌های صنعتی و خدماتی نسبت به سهم کنونی آن در کشور به صورت محدودافزایش خواهد یافت .
- سهم جمعیت استان از کل جمعیت کشور نیز افزایش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن به حدود ۱/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۹۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۹)

نظریه پایه توسعه استان کردستان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، صنعت و معدن و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- ارتقاء سطح خدمات در سنج بمنظور پاسخگویی به نیازهای استان و منطقه.
- تقویت و تجهیز شبکه های زیربنایی بمنظور پشتیبانی از مبادلات و ارتباطات ملی و منطقه ای.
- توسعه بخش کشاورزی و افزایش سطح زیر کشت با توجه به امکانات مناسب آب.
- تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری در حد صنعتی شدن فعالیت های بخش کشاورزی.
- توسعه کشت محصولات نظیر غلات، حبوبات، یونجه، توت فرنگی، گردو و صنعتی شدن دامپروری.
- توسعه صنایع تبدیلی و بسته بندی فرآورده های کشاورزی، تولید ادوات و وسایل مورد نیاز کشاورزی.
- ایجاد صنایع شیمیایی با توجه به عبور خط لوله اتان / اتیلن از استان و احداث صنایع الکترونیک.
- تجهیز معادن سنگ آهن، سیلیس، خاک های صنعتی و سنگ های تزئینی و توسعه صنایع مرتبط با معدن.

- توسعه خدمات بازرگانی با توجه به همجواری آن با عراق و جهت گیری های توسعه استان.
- تقویت زیر بناهای استان با توجه به توسعه شبکه های گاز و انرژی و همچنین توسعه شبکه های ارتباطی جهت دسترسی سهل تر و سریع تر استان به استانهای همجوار.
- توسعه گردشگری و سیاحت با توجه به وجود آثار باستانی و جاذبه های طبیعی و فرهنگی.
- تنوع بخشیدن به فعالیتهای روستائی و افزایش امکانات زندگی برای نگهداشت جمعیت و فعال کردن جوامع روستایی استان.

- تعادل بخشی به سازمان فضایی استان با تقویت شهرهای کوچک و برقراری پیوند بین مراکز شهری و روستایی.
- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش‌های توسعه استانی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال بخش کشاورزی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش اندکی خواهد داشت و در سایر بخش‌ها با تغییر قابل توجهی مواجه نخواهد بود.
- سهم استان از جمعیت کل کشور نیز تقریباً ثابت بوده و سطح جمعیتی آن به مرز ۲ میلیون نفر نزدیک خواهد شد.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۴۰)

نظریه پایه توسعه استان کرمان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت و معدن (با تاکید بر صنایع معدنی و تبدیلی)، کشاورزی و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه بخش صنعت با توجه به امکانات زیربنایی و موقعیت استراتژیک استان با اولویت در صنایع متالورژی و ذوب فلزات اساسی، صنایع مرتبط با خودرو سازی و حمل و نقل.
- توسعه بخش معدن و فعالیت های مرتبط با آنها (صنایع معدنی) با توجه به ترکیب بسیار متنوع ذخایر معدنی استان در زمینه های سنگ آهن (با قابلیت صادرات)، سرب و روی، ذغال سنگ، کرومیت، تیتانیوم و غیره.
- توسعه بخش کشاورزی در زیربخش های زراعت با محصولاتی نظیر ذرت، دانه های روغنی، یونجه و محصولات جالیزی، باغداری با محصولاتی نظیر پسته، با تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری و انجام تسهیلات لازم در جهت ساختار و عملکرد بخش.
- توسعه بازرگانی با توجه به تولید محصولات باغی صادراتی، صنایع و معادن استان و خصوصاً تقویت و توسعه عملکرد مناطق ویژه اقتصادی سیرجان و بم.
- تقویت امکانات و توسعه ظرفیت ها و قابلیت های گردشگری استان.
- ایجاد تعادل در توسعه نواحی و ساماندهی الگوی استقرار جمعیت و مراکز فعالیت.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح ملی در گروه های فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی و در سطح منطقه ای در گروه پزشکی

- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان در اشتغال صنعت و معدن نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش قابل توجهی خواهد داشت، در بخش‌های خدماتی تغییر چندانی نخواهد داشت و در بخش کشاورزی با کاهش مواجه خواهد بود.

- سهم استان از کل جمعیت کشور با افزایش مواجه خواهد بود و سطح جمعیتی آن به حدود ۳ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۷)

نظریه پایه توسعه استان کرمانشاه

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، صنعت، خدمات، گردشگری و استفاده از موقعیت منطقه‌ای" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت‌های فوق مانع بهره‌گیری از سایر توانمندی‌ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می‌باشد:

- تقویت تجهیزات و امکانات حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی برای بهره‌برداری از موقعیت فراملی کشور با توجه به همجواری با کشور عراق و قرارگیری آن در محل تلاقی محور شرقی - غربی (زاهدان - خسروی و سرخس - خسروی) و محور غربی کریدور شمال (بندر امام - بازرگان).
- توسعه خدمات بازرگانی با توجه به موقعیت استان در شبکه‌های ارتباطی ملی و بین‌المللی.
- توسعه کشاورزی با توجه به وضعیت منابع آب و خاک و امکان کشت محصولات گرمسیری و سردسیری و پوشش گیاهی استان، در زیر بخش‌های باغداری نظیر گردو و زیربخش زراعت نظیر حبوبات و غلات و ارتقاء سطح فن‌آوری در فعالیتهای این زیربخش‌ها.
- توسعه بخش صنعت با اولویت صنایع مرتبط با بخش کشاورزی اعم از صنایع تبدیلی، محصولات کشاورزی و صنایع تولید ادوات کشاورزی، صنایع شیمیایی، صنایع الکترونیک و کانی غیرفلزی.
- ایجاد کشت و صنعت در استان در تلفیق بیشتر فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی.
- ایجاد صنایع پتروشیمی در استان با توجه به عبور خطوط انتقال گاز و فرآورده‌های آن از استان.
- توسعه بخش خدمات برتر و تقسیم کار با استان همدان با تاکید بر خدمات پشتیبان توسعه صنعتی و کشاورزی و تاکید بر توسعه امکانات بهداشتی و درمانی.
- توسعه زیربنای اجتماعی و فرهنگی به سبب بالا بودن آسیب‌های اجتماعی در استان.
- توسعه فعالیت‌های محیط زیست برای مقابله با آلودگی آبهای سطح الارضی و تامین آب آشامیدنی.

- تنوع بخشیدن به فعالیت های اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی در مراکز روستایی برای نگهداشت جمعیت و فعال سازی جامعه روستایی.
 - توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه ای در گروه علوم پایه
 - توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان در اشتغال کلیه بخش های اقتصادی به صورت متوازی نسبت به سهم کنونی آن در کشور افزایش خواهد داشت.
 - سهم استان از کل جمعیت کشور نیز افزایش داشته و روند مهاجرت فرستی گذشته آن به سمت تعادل جمعیتی میل خواهد کرد. سطح جمعیتی استان به حدود ۲/۵ تا ۳ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۷۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه ها: نقشه شماره ۲۸)

نظریه پایه توسعه استان کهگیلویه و بویر احمد

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی با تاکید بر توسعه زیر بخش دامپروری و دامداری و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- تقویت و تجهیز شبکه های ارتباطی و امکانات ایرانگردی با توجه به قابلیت های طبیعی و جاذبه های ناشی از تنوع حیات و حش، آبشارها، رودخانه ها، تالابها و جنگلها به عنوان یک منطقه گردشگری.
- تاکید بر توسعه جنگلها با توجه به استعداد استان در این زمینه و بهبود شرایط محیط زیست از نظر کاهش زمینه های جاری شدن سیل در این نواحی.
- توسعه بخش کشاورزی در زیر بخش دامداری با توجه به پوشش های گیاهی متنوع، وجود مراتع و منابع فراوان آب با تاکید خاص بر ارتقاء فن آوری در این زیر بخش و فشرده سازی کشت و تلفیق هر چه بیشتر دامداری و کشاورزی با یکدیگر.
- توسعه فعالیت های صنعتی در زمینه نفت و گاز و هم چنین توسعه صنایع شیمیایی و پتروشیمی در صورت اجرای پروژه انتقال اتان / اتیلن از عسلویه.
- توسعه صنایع معدنی با توجه به وجود منابع خاکهای صنعتی و نسوز در استان.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش های توسعه استانی
- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان از اشتغال کلیه بخشهای عمده اقتصادی نسبت به سهم کنونی آن افزایش اندکی خواهد یافت.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نیز افزایش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن بالغ بر یک میلیون نفر خواهد شد.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۴۱)

نظریه پایه توسعه استان گلستان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- تقویت بخش گردشگری، توسعه فعالیت های ایرانگردی و توسعه امکانات پذیرایی و اقامتی در مناطق برخوردار از جاذبه های طبیعی.
- انتخاب کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه استان در زیر بخش زراعت با محصولاتی نظیر: دانه های روغنی، توتون، پنبه، گندم و ذرت در باغداری با محصولاتی نظیر زیتون و همچنین صید و پرورش آبزیان.
- توسعه بازرگانی با توجه به موقعیت ارتباطی استان، دسترسی به سواحل دریای خزر و استفاده از امکان حمل و نقل ریلی در سواحل جنوب شرقی دریای خزر.
- توسعه فعالیت های محیط زیست در مقابله با مسائل زیست محیطی نظیر کویری شدن بخشی از استان، مقابله با فرسایش زیاد حوزه آبخیز، رفع آلودگی های آبهای سطح الارضی و حفاظت از منابع طبیعی با تاکید بر کنترل بهره برداری از جنگل و احیای آن.
- ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی نظیر صنایع مواد غذایی با توجه به عنایت تولیدات بالای کشاورزی در این استان با توجه به محدودیت اراضی دارای کاربری صنعتی.
- تاکید بر تقویت و توسعه صنایع دستی، خدمات و کالاهای فرهنگی جوامع سنتی.
- توسعه و تجهیز محور مشهد - گرگان در زمینه فعالیت های خدماتی، اجتماعی و فرهنگی.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش های توسعه استانی

- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان از کلیه بخشهای عمده اقتصادی نسبت به سهم کنونی آن در کشور به صورت متوازی افزایش خواهد یافت.

- سهم استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم فعلی آن تغییر چندانی نخواهد داشت و سطح جمعیتی آن به حدود ۲ میلیون نفر خواهد رسید.

- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۵۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۴۲)

نظریه پایه توسعه استان گیلان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، گردشگری، بازرگانی و صنایع پشتیبان آنها" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت‌های فوق مانع بهره‌گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- در جهت ایفای نقش فراملی، ارتقاء سطح خدمات برتر با عملکرد منطقه‌ای برای تامین نیازهای توسعه استان و پاسخ به تقاضای کشورهای منطقه.
- توسعه بخش ایرانگردی و تجهیزات اقامتی برای بهره برداری در سطح ملی، بنحوی که امکان استفاده ساکنین سایر استانهای کشور از این طبیعت ممتاز فراهم شود؛ همراه با تقویت صنایع دستی، خدمات و کالاهای فرهنگی جوامع سنتی.
- تقویت شبکه های ارتباطی جاده ای و ریلی و تجهیز مبادی ورودی و خروجی کالا و مسافر در جهت بهره برداری از موقعیت منطقه‌ای استان در برقراری ارتباطات منطقه قفقاز و اروپا با شبه جزیره، بنحوی که بندر انزلی به عنوان یک بندر سطح ۲ ملی در فعالیت های بازرگانی، صنایع وابسته و خدمات ایفاء نقش نماید.
- انتخاب کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه استان، اعم از باغداری و زراعت با محصولاتی نظیر: زیتون، توتون، چای، شلتوک، دامداری، صید و پرورش آبزیان در جهت حفظ و کنترل منابع آب و خاک استان، و رعایت تمهیدات لازم برای پایداری توسعه منطقه و ارتقاء فن آوری متناسب با شرایط استان در حدی که کشاورزی تا سطح یک فعالیت صنعتی مدرن تحول یابد.
- توسعه بخش بازرگانی برای گسترش خدمات مبادله کالا با توجه به موقعیت ویژه اقتصادی استان.

- توسعه صنایع با اولویت در صنایع غذایی، صنایع برق و الکترونیک با توجه به منابع انسانی استان و متناسب با محدودیت‌های تامین اراضی غیر کشاورزی و گردشگری.
- توجه به محیط زیست شکننده استان و صیانت از آن در مقابل توسعه فعالیت‌های صنعتی و حمل و نقل.
- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه‌ای در گروه‌های کشاورزی و دامپزشکی
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان از اشتغال بخش‌های خدماتی نسبت به وضعیت کنونی آن در کشور افزایش خواهد داشت و در بخش‌های صنعت و کشاورزی با کاهش اندکی مواجه خواهد بود.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم کنونی آن کاهش خواهد داشت و سطح جمعیتی آن به ۲/۵ تا ۳ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۲۹)

نظریه پایه توسعه استان لرستان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت، کشاورزی و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه بخش کشاورزی با توجه به قابلیت های بالای منابع آب و خاک و پوشش گیاهی مناسب در زیربخش زراعت با محصولاتی نظیر حبوبات، غلات، ذرت و یونجه، باغداری نظیر انگور و همچنین زیر بخش دامداری با تاکید بر ضرورت ارتقاء سطح فن آوری در همه فعالیتهای مزبور تا حد تحول آنها به یک فعالیت صنعتی و توجه به تعادل بین جمعیت دامی و ظرفیت تعلیف مراتع.
- توسعه ظرفیت های منطقه ویژه و تخصصی سنگ ازنا با توجه به معادن غنی سنگ های ساختمانی و تزئینی در استان.
- توسعه بخش صنعت با اولویت صنایع ماشین سازی، تجهیزات فلزی و توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی و توسعه صنایع پتروشیمی با توجه به پروژه خط انتقال اتان / اتیلن به استان.
- تمرکز بر بهبود زیرساختهای اجتماعی، فرهنگی استان به سبب نرخ بالای آسیب های اجتماعی.
- تقویت امکانات و تجهیزات مناسب برای ایفای نقش تخلیه کالا برای توزیع در استانهای همجوار.
- توسعه ظرفیت های تولید برق با توجه به رودخانه های استان.
- توسعه فعالیت های زیست محیطی در جهت مقابله با جریانه های تخریب محیط زیست، احیاء مناطق حفاظت شده استان و همچنین توسعه امکانات و تجهیزات سیاحتی با توجه به آثار تاریخی و جاذبه های طبیعی برای جذب گردشگر.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی متخصص مورد نیاز استان متناسب با گرایش های توسعه استانی

- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان برای افزایش مهارت های نیروی کار بخصوص در مناطق روستایی به همراه تنوع بخشیدن به فعالیتهای جامعه روستایی و جذب آنها در فعالیت های توسعه در منطقه.
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیتهای جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال بخش کشاورزی نسبت به سهم کنونی افزایش خواهد داشت و در بخشهای صنعت و خدمات نیز با افزایش اندکی مواجه خواهد بود.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم فعلی تقریباً ثابت خواهد ماند و روند مهاجر فرستی این استان به سمت تعادل جمعیتی میل خواهد کرد. سطح جمعیتی این استان به حدود ۲ تا ۲/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه ها: نقشه شماره ۴۳)

نظریه پایه توسعه استان مازندران

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، گردشگری و استفاده از قابلیت های صنعتی و بازرگانی" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندی ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- انتخاب کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه استان در همه زیربخش ها اعم از زراعت با محصولات نظیر شلتوک، توتون و تنباکو، باغداری با محصولات نظیر کیوی و مرکبات، دامداری و صید و پرورش آبزیان، حفظ و کنترل منابع ممتاز آب و خاک استان با رعایت تمهیدات لازم برای پایداری توسعه منطقه و ارتقاء سطح فن آوری متناسب با شرایط استان در حدی که کشاورزی تا سطح یک فعالیت صنعتی مدرن تحول یابد .
- تقویت مدیریت محیط زیست برای حفاظت و کنترل کاربری منابع آب و خاک، مقابله با آلودگی آب های سطح الارضی و زه دار شدن اراضی، تخریب جنگلها و....
- تقویت شبکه ها و تجهیزات مبادی ورودی و خروجی و ارتباطی حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی به نحوی که بندر امیرآباد به عنوان مرکز سطح یک در فعالیت های بازرگانی در مسیر کریدورهای شمالی - جنوبی ایفای نقش کند.
- توسعه بخش ایرانگردی و تجهیزات اقامتی و ایام فراغت برای بهره برداری در سطح ملی و جذب گردشگران داخلی و خارجی با تاکید بر تقویت و توسعه صنایع دستی، خدمات و کالاهای فرهنگی جوامع سنتی منطقه.
- ارتقاء سطح خدمات برتر در مرکز استان به منظور تامین نیازهای توسعه استان و پاسخگویی به برخی از نیازهای کشور های منطقه.

- توسعه صنایع غذایی در حد امکانات تامین اراضی صنعتی بدون لطمه خوردن به منابع آب و خاک مورد نیاز بخش کشاورزی و صنایع کانی غیرفلزی و صنایع الکترونیک با توجه به کیفیت منابع انسانی استان.
 - توسعه فعالیتهای معدن مرتبط با سرب و روی، فسفات، ذغال سنگ .
 - توسعه فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح ملی در گروههای کشاورزی و دامپزشکی
 - توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایشهای تخصصی فعالیتها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیتهای جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال بخشهای خدماتی نسبت به وضعیت کنونی آن افزایش داشته و در سایر بخشها با کاهش مواجه خواهد بود.
 - سهم استان از کل جمعیت کشور نیز کاهش داشته و سطح جمعیتی آن به حدود ۳/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۶۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۰)

نظریه پایه توسعه استان مرکزی

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت با تاکید بر تکمیل زنجیره ها، کشاورزی و خدمات پشتیبان تولید" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- با توجه به همجواری استان با قطبهای صنعتی و موقعیت استان در مسیر ارتباطات شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور، عبور راه آهن سراسری و ظرفیتهای استان، توسعه کیفی صنعت با تاکید بر متالورژی و ذوب فلزات، صنایع ماشین سازی، صنایع حمل و نقل، کانی غیرفلزی، شیمیایی و پتروشیمی و صنایع مکمل فعالیت های صنعتی مستقر در قطب های صنعتی تهران، قزوین، اصفهان، خوزستان به همراه ارتقاء سطح فن آوری و کاهش سهم صنایع کاربر.
- توسعه فعالیت های کشاورزی با توجه به وضعیت آبهای سطحی استان و جایگاه تخصصی در پرورش گل در زمینه های زراعت (حبوبات، غلات و گل و گیاه) و باغداری (انار و گردو) و زنبورداری با تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری و کیفیت تولید آنها.
- توسعه بخش معدن در زمینه تولید سنگهای ساختمانی.
- ایجاد پارکهای تحقیقاتی و صنعتی در استان با توجه به تمرکز فعالیت های صنعتی در استان و استانهای همجوار.
- گسترش فعالیت های خدمات برتر در شهر اراک با عملکرد منطقه ای برای تامین نیازهای توسعه استان با تاکید بر حمایت از روند توسعه صنعتی استان، در جهت توازن بین رشد خدمات و صنعت.
- توسعه تاسیسات و امکانات فرهنگی و تفریحی متناسب با نیاز محیط و روابط صنعتی موجود در استان.

- توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه‌ای در گروه‌های کشاورزی و دامپزشکی
 - توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال بخش‌های صنعتی نسبت به وضعیت کنونی آن کاهش خواهد داشت و در سایر بخش‌ها با تغییر چندانی مواجه نخواهد بود.
 - سهم استان از کل جمعیت کشور نیز کاهش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن به بیش از ۱/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۶۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۴۴)

نظریه پایه توسعه استان هرمزگان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت گیری های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی های استان، مأموریت ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه بازرگانی، صنعت (با گرایش صنایع انرژی بر و تولید کالاهای صادراتی) و شیلات و آبزی پروری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت های فوق مانع بهره گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می باشد:

- توسعه خدمات بازرگانی و ارتباطات دریایی و تقویت عملکرد بنادر استان با توجه به موقعیت جغرافیایی ممتاز آن و خصوصاً تحولات ناشی از توسعه استان بوشهر جهت پاسخگویی به تقاضای رو به رشد جابجایی کالا در منطقه.
- توسعه و تجهیز مبادی ورودی و خروجی کالا و تجهیزات و تسهیلات مناسب برای حمل کالا و مسافر و انرژی با توجه به قرار گیری استان در نقطه شروع دو محور از کریدورهای شمال - جنوب و نیز برخورداری از قابلیت اتصال به محورهای کریدور شرق - غرب.
- تقویت عملکرد و نقش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در راستای تقویت نقش فراملی کشور در منطقه خاورمیانه.
- توسعه مجموعه بندرعباس - قشم در حدمرکزیت تجاری - صنعتی مهم (HUB) در خلیج فارس با قابلیت ارائه خدمات تخلیه و نگهداری کالا، خدمات فرودگاهی و بندری و توسعه صنایع صادرات مجدد و فعالیت های اداری و تجاری لازم.
- توسعه فعالیت های کشاورزی در زیر بخش های باغداری، محصولات نظیر مرکبات و خرما، زراعت با محصولات نظیر سبزیجات و محصولات جالیزی با تاکید بر بخش صید ماهی و آبزیان دریایی.

- توسعه و گسترش فعالیت های زیست محیطی در مقابله با مسائل اقلیمی نظیر پیشروی کویر و گسترش شورهزارها، فرسایش خاک، تقویت پوشش های گیاهی و احیاء جنگل ها، مقابله با آلودگی محیط زیست دریایی و جلوگیری از تخریب محیط زیست و عوارض طبیعی.
- توسعه صنایع و خدمات دریایی و فعالیت های مرتبط با خدمات صنعتی مورد نیاز در منطقه، توسعه صنایع مرتبط با انرژی با توجه به عبور خطوط انتقال نفت خام، فرآورده های نفتی و گاز، صنایع متالورژی، ذوب فلزات و حمل و نقل.
- ایجاد تاسیسات و تجهیزات سوخت رسانی برای کشتی های عبوری از تنگه هرمز و ایجاد مخازن ذخیره سازی استراتژیک نفت در جزیره قشم.
- توسعه و تقویت بهره برداری از معادن استان بویژه سنگ کروم با قابلیت درآمد زایی و افزایش اشتغال در استان.
- توسعه و تجهیز امکانات خدماتی استان (خدمات برتر) که ضمن تامین نیازهای کشور، نیازهای فراملی را نیز مرتفع سازد.
- توسعه فن آوری زیستی (بیوتکنولوژی) و صنایع مرتبط با آن در قشم.
- توسعه و تجهیز امکانات و خدمات اقامتی و پذیرایی از سیاحان داخلی و خارجی با توجه به جاذبه های استان (مانند جنگل های حرا).
- توسعه و عمران شهری به منظور تقویت مراکز جمعیتی استان به موازات ساحل در جهت پذیرش مهاجران ناشی از توسعه استان و نیز تامین آب شیرین مورد نیاز جمعیت ساکن استان.
- تعادل بخشی در سازمان فضایی استان با اولویت نواحی شرقی و غربی استان از طریق تجهیز و تقویت شبکه های زیربنایی و تامین و انتقال آب به نواحی مذکور.
- توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز منطقه ای در گروه های پزشکی، فنی و مهندسی و علوم انسانی
- توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان

با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش

فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:

- سهم استان از اشتغال بخشهای صنعت و خدمات نسبت به وضعیت کنونی آن افزایش قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت.
- سهم استان از کل جمعیت کشور نیز نسبت به سهم فعلی آن افزایش قابل توجهی خواهد داشت . سطح جمعیتی این استان به حدود ۲/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
- با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۷۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۱)

نظریه پایه توسعه استان همدان

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه کشاورزی، گردشگری، صنعت و معدن و استفاده از قابلیت‌های توسعه در خدمات برتر" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت‌های فوق مانع بهره‌گیری از سایر توانمندی‌ها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می‌باشد:

- توسعه بخش کشاورزی در زمینه‌های زراعت و باغداری با محصولات نظیر، غلات، چغندر، یونجه، گردو، بادام و انگور و زیر بخش دامداری با توجه به توانمندی‌های استان از نظر منابع تحت الارضی و سطح الارضی و پوشش گیاهی مناسب در استان با تاکید بر ارتقاء سطح فنآوری و مدیریت منابع در جهت افزایش بازدهی آبیاری و متناسب نمودن ابعاد واحدهای تولیدی و صنعتی کردن دامداریها.
- توسعه بخش صنعت با توجه به نزدیکی با قطب‌های صنعتی کشور با اولویت صنایع غذایی، صنایع کانی غیر فلزی و ماشین آلات و تجهیزات با تاکید بر گسترش مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و جذب نیروهای متخصص.
- توسعه بهره‌برداری از معادن استان نظیر سنگ آهن و بوکسیت.
- ایجاد صنایع مدرن فرآوری سنگ‌های ساختمانی با توجه به معادن سنگ استان.
- توسعه امکانات و تجهیزات و شبکه‌های ارتباطی با تأکید بر راه آهن با توجه به قرار گرفتن استان در یکی از محورهای مسیر کریدور شمال- جنوب و همجواری با استانهای متعدد.
- توسعه بخش خدمات برتر و تقسیم کار با کرمانشاه برای پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی و تامین سطح زندگی مورد انتظار در منطقه با توجه به ظرفیت‌های مناسب خدماتی و درمانی استان.
- توسعه بخش سیاحت و گردشگری با توجه به میراث فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی استان و افزایش امکانات پذیرایی و توسعه مراکز اقامتی.

- تنوع بخشیدن به فعالیت های روستایی و توسعه مناطق روستایی برای افزایش توانایی در نگهداشت جمعیت و فعال سازی جامعه روستایی استان.
 - توسعه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح های ملی در گروه های علوم پایه و در سطح منطقه ای در گروه پزشکی
 - توسعه آموزش های فنی و حرفه ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش های تخصصی فعالیت ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال بخش های خدماتی نسبت به وضعیت کنونی آن در کشور افزایش خواهد داشت، در بخش صنعت با کاهش مواجه خواهد بود و در بخش کشاورزی تغییر چندانی را نخواهد داشت.
 - سهم استان از کل جمعیت کشور تا حدی کاهش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن به ۲ تا ۲/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به بیش از ۶۰ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه ها: نقشه شماره ۴۵)

نظریه پایه توسعه استان یزد

در راستای تحقق اهداف چشم انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه: "توسعه صنعت و معدن و خدمات برتر، بازرگانی نوین و گردشگری" استوار خواهد بود. تکیه بر اولویت‌های فوق مانع بهره‌گیری از سایر توانمندیها و ظرفیتهای استان نخواهد بود.

بنابراین اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان به شرح زیر می‌باشد:

- توسعه پایدار و مستمر صنعت به عنوان اولویت اصلی در توسعه استان با توجه به کمبود منابع آب و سطح پایین نزولات جوی و محدودیت‌های توسعه در بخش کشاورزی و با توجه به خصوصیات نیروی انسانی استان، امکانات زیر بنایی مناسب و همجواری با استانهای اصفهان و کرمان در زمینه صنایع متالورژی و نساجی، قطعه سازی الکترونیک و صنایع کانی غیرفلزی.
- توسعه فعالیت‌های معدنی و صنایع وابسته به آنها با توجه به ذخایر عظیم سنگ آهن، سرب و روی، سنگهای ساختمانی، ذغال سنگ و فسفات.
- تقویت امکانات لازم برای ایفای نقش تخصصی مرکز تخلیه و توزیع کالای سطح ملی با توجه به موقعیت استان و قرار گیری آن بر محل تلاقی محورهای عمده ارتباطی اصلی به مبادی ورود و خروج کالا و بازارهای مصرف و مراکز تولیدی کشور.
- توسعه بخش تجارت و بازرگانی با توجه به چشم انداز بخش و تولیدات استانهای منطقه.
- نگهداشت سهم بخش کشاورزی و افزایش راندمان این بخش با تاکید بر ارتقاء سطح فن آوری و استفاده هر چه بیشتر از روشهای آبیاری مناسب مناطق کم آب.
- انتخاب الگوی کشت مناسب و گیاهان کم آب بر با توجه به ارزش و اهمیت بخش در حفظ محیط زیست و تامین غذا

- تقویت زیربخش‌های زراعت با محصولاتی نظیر گندم و یونجه و باغداری با محصولاتی نظیر انار (با قابلیت صادرات).
 - گسترش فعالیت های حفاظت از محیط زیست با توجه به کویری بودن استان و ضرورت کنترل و مهار پیشروی کویر و مقابله با عوارض طبیعی اقلیم های خاص و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی پایه.
 - توسعه امکانات و تجهیزات پذیرایی و اقامت گردشگران داخلی و خارجی خصوصاً با در نظر گرفتن اماکن مقدس زرتشتیان در استان.
 - توسعه فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی مراکز آموزش عالی استان با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در سطح‌های ملی در گروه‌های پزشکی، علوم انسانی و هنر
 - توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توجه به الزامات توسعه و گرایش‌های تخصصی فعالیت‌ها در استان
- با توجه به نقش و وظایف تعیین شده برای استان در عرصه ملی و توان آن در پذیرش فعالیت‌های جدید و جمعیت، تحولات جمعیتی استان تا سال ۱۴۰۰ به شرح زیر خواهد بود:**
- سهم استان از اشتغال بخش‌های صنعتی و خدمات نسبت به وضعیت کنونی آن در کشور افزایش خواهد داشت و در فعالیتهای کشاورزی با کاهش اندک مواجه خواهد بود.
 - سهم استان از کل جمعیت کشور نسبت به سهم فعلی آن افزایش خواهد یافت و سطح جمعیتی آن به حدود ۱/۵ میلیون نفر خواهد رسید.
 - با توجه به ترکیب مشاغل پیش بینی شده و توان جوامع روستایی در نگهداشت جمعیت ، نسبت شهرنشینی در این استان به حدود ۸۵ درصد خواهد رسید.

(مجموعه نقشه‌ها: نقشه شماره ۳۲)